

جمادی الأول، ۱۴۳۴هـ ق
سال اول - شماره چهارم

اقصیٰ را فراموش نکرده ایم

در این شماره:

- منافقان را بشناسید !
- وقایه از معاصی
- قاری غازی اسیر بگرام
- اخلاق مجاهد

بسم الله الرحمن الرحيم

ماهنامه لشکر خراسان

"يَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتٌ سُودٌ لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاءَ" رواه امام احمد.

ازخراسان، بیرق های سیاهی می برآید، هیچ چیزی جلو این بیرق را گرفته نمیتواند، تاکه به اِیلِیَاء (بیت المقدس) نصب کرده میشود.

شماره چهارم جمادی الاول 1434 هـ

در این شماره...

صاحب امتیاز:



آدرس انتر نیتی:
www.khurasan.biz

سرمقاله:

منافقان را بشناسید واز راه آنها بپرهیزید!

الحمد لله وکفی والصلاة والسلام علی رسوله المصطفی وعلی آله واصحابه اجمعین.

اما بعد: (بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاء مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِندَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ العِزَّةَ لِلّهِ جَمِيعًا). (النساء/**138-139**)

خواننده گان محترم !السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

بعد از کامیابی جهاد ملت مسلمان افغانستان و شکست قشون سرخ شوروی، اهداف جهاد و آرمانهای شهدا که همانا تشکیل و ایجاد نظام اسلامی بود در اثر توطئه های عمیق سازمانهای اطّلاعاتی کفری، مخصوصاً امریکا و بعضی از کشورهای همسایه و بخصوص یک تعداد رهبران خاین، دین فروش و وطن فروش داخلی، از مسیر اصلی اش منحرف شده و مجاهدین از بنای حکومت اسلامی عاجز ماندند .امریکا و دنیای کفر، هنوز از لذّت این پیروزی حصه ای نه برده بودند که از مکتب جهاد افغانستان انسانهایی پاک و مخلص، جوانانی عاشق که با عروس شهادت پیمان زندگی بسته بودند به پا خواسته و در راستای تحقّق آرمانهای اسلامی و ندای شهیدان به خون خفته، امارت اسلامی را بنیان گذاشته و پس از فروپاشی خلافت اسلامی، بار دیگر در اذهان مسلمین خاطرهٔ خلافت راشده را زنده نموده و در تاریخ اسلامی با خطی درشت، عزّت و سربلندی را برای این امّت ثبت نمودند.

دنیای کفر و امریکا هنگامی که اهداف خویش را از دست رفته دیدند و خود را زبون احساس کردند، با تمام امکانات و با همکاری ذلّت بار کشورهای به اصطلاح اسلامی تهاجم صلیبی وحشیانه به افغانستان آغاز نموده و با کمک نیروهای منافق شر و فساد بار دیگر این کشور، به اشغال لشکر صلیبی درآمد.

کفر صلیبی و نوکران نااهل و مفسدش بر ما تاخته اند و میخواهند ما را حقیر و ناتوان کنند. در هر حوزه ای از اسلام تجاوز، ظلم، اسارت، فحشا، فساد، بی عدالتی، کشتار امت اسلامی همه و همه برای صلیب یک عادت بدون وقفه شده و این سیر منحوس شان ادامه دارد....

ای ملت مسلمان افغانستان! روی کار آوردن عدهٔ به نام مفکرین و علمای اسلامی، که سعی کردند تا برای استعمار رنگ شرعی دهند و اطاعت آن را توام با عدم مقاومت در برابر آن واجب اعلان نمایند. در رأس این جنبش خاین، که ملت مسلمان افغانستان را از پشت به خنجر زدند، عبدالله بن أبی نماهای چون سیاف، کشاف، مجددی، وغیره قرار دارند. و این جنبش خاین، نه تنها با دشمنان اسلام دست دوستی و همکاری دراز کردند بلکه بر ضد بهترین فرزندان امت اسلامی که در مقابل لشکرصلیبی امر جهادفی سبیل الله و دفاع از ناموس و وطن را انجام میدهند، با بی شرمی تمام این عبادت بزرگ را جنــایت تــوصیف کردند و در بــدل مقام ومنصب و متاع دنیوی که از طرف باداران صلیب شان داده میشود، قرآن و حدیث را تحریف نمودند و جهاد بر ضد دشمنان اسلام را وحشت وترور اعلان نمودند.

اما الحمد الله؛ جای بسا شکر و سپاسگذاری است که الله متعال این منافقان را رسوا و شرمنده ساخت زیرا هر راهی را که رفتند خود را ذلیل یافتند و هر دری را که کوفتند ناامید و ناکام شدند، پس در این صورت این منافقان وعید، الله تعالی را فراموش نکنند!!!

(فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَن تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ فَعَسَى اللّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِندِهِ فَيُصْبِحُواْ عَلَى مَا أَسَرُّواْ فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ). ''مائدة/**52**''

ترجمه: می بینی کسانی را که بیماری ضعف، شک و نفاق به دل دارند در دوستی و یاری یهودیان و مسیحیان بر یکدیگر سبقت می‌گیرند و می‌گویند: میترسیم که روزگار برگردد و بلایی بر سر ما آید و به کمک ایشان نیازمند شویم امید است که الله تعالی فتح را پیش آورد یا از جانب خود کاری کند دشمنان اسلام را نابود و منافقان را رسوا نماید و این دسته از آنچه در دل پنهان داشته‌اند، پشیمان گردند و بر ضعف و شک و نفاق خود افسوس خورند.

آیهٔ شریفه به صراحت بر این مطلب دلالت دارد که محبت و معاشرت با کفار به خاطر مقام و وجههٔ اجتماعی، نفاق است و در ایمان چنین افراد شک و تردیدی وجود دارد و الله متعال آنها را

در ردیف منافقان حساب کرده است. الله تعالی این مطلب را در آیهٔ ۱۳۸ و ۱۳۹ سورهٔ نساء آشکارا بیان فرموده است: به منافقان مژده بده که عذاب دردناکی دارند، این منافقان کسانی هستند که کافران را به جای مؤمنان به سرپرستی و دوستی می‌گیرند. آیا عزت را در نزد کافران می‌جویند چنین چیزی محال است چرا که عزت و شوکت جملگی از آن الله است وهر که از الله عزت جوید، کامیاب شود و هر کس از غیر الله عزت طلبد، ذلیل گردد.

ای ملت مسلمان افغانستان! به این فرمودهٔ الله تعالی توجه کنید. الله متعال صفتی را برای منافقان بیان کرده است که در این برهه از زمان که وحی جدیدی از آسمان نازل نمی‌شود و دروازهٔ وحی بسته شده است، منافقان را برای مؤمنین معرفی و مشخص میسازد تا فریب منافقان را که ادعای اسلام را دارند، نخورند. الله متعال به صراحت بیان میدارد، کسانی که با کفار و مسیحیان و یهودیان یار و همکارند تا از این راه به چوکی و ریاست برسند، منافقند. درحقیقت آنها عزت چوکی و ریاست را از کفار طلب می‌کنند. در حالی که هیچ‌گونه عزتی به کفار داده نشده است و آنها ذلیل هستند و مورد خشم و غضب الله تعالی قرار گرفته‌اند. عزت و ذلت از آن الله پاک است، او هر کس را عزت بدهد، عزیز است و هر کس را ذلت بدهد، ذلیل است.

لذا کسانی که امروز عزت را از همکاری با امریکا و اروپا و اسرائیل.... می‌خواهند در حقیقت در دنیا و آخرت ذلیل خواهند شد، مگر این که توبه کنند و از همکاری گذشتهٔ خود پشیمان شوند زیرا دروازهٔ توبه برای توبه‌کنندگان باز است، همچنین در ادامهٔ آیات قبلی، سورهٔ نساء، آیهٔ ۱۴۴ و ۱۴۵ الله متعال خطاب به مؤمنان میفرماید که غیر از مؤمنان، کفار را دوست و سرپرست نگیرند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاء مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُواْ لِلّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا، إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَن تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را به جای مؤمنان به دوستی نگیرید؛ مگر می‌خواهید حجت و برهان آشکاری علیه خود به الله تعالی دهید؟ بر این که شما هم از گروه منافقانید) بی شک منافقان در اعماق دوزخ و در پایین‌ترین مکان آن هستند و هرگز یاوری برای آنان نخواهی یافت) تا به فریادشان برسد و آنان را برهاند.

ای ملت مسلمان افغانستان! الله متعال در آیات شریفه تذکر میدهد که کفار را دوست و سرپرست خود قرار ندهید، چنانچه شما کفار را یار خود قرار دادید، این کار شما سندی معتبر برای نفاقتان قرار خواهد گرفت؛ آنگاه مؤمنان واقعی هم، خواهند دانست که شما منافق هستید. لذا کسانی که اکنون با امریکا و اروپا و اسرائیل.... همکار و همفکرند و مؤمنان را تعقیب می‌کنند، به اسارت میگیرند و شهید میکنند، در نفاق آنها هیچ شک و تردیدی مطابق آیات الهی وجود ندارد و الله متعال اعماق جهنم را سرانجام آنان قرار داده است. چنین منافقان به اسلام و مسلمانان خنجر محکم تری نسبت به کفار زده‌اند، زیرا به نام ایمان و اسلام با کفار که دشمن ایمان و اسلام و الله و رسول اند، همکاری و همفکری داشته‌اند؛ مگر کسانی که توبه کنند و از عمل زشت خود که همکاری و همفکری با کفار است، باز گردند و خود را به صفوف مؤمنان برسانند و علیه کفار بجنگند. پس الله متعال برای چنین تائبین و مؤمنین، اجر عظیم عنایت خواهد کرد؛ چنانکه الله متعال در سورۀ نساء آیۀ ۱۴۶ فرموده است: (إِلاَّ الَّذِينَ تَابُواْ وَأَصْلَحُواْ وَاعْتَصَمُواْ بِاللّهِ وَأَخْلَصُواْ دِينَهُمْ لِلّهِ فَأُوْلَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْراً عَظِيمًا).

مگر کسانی که از ایشان توبه کنند و برگردند و به اصلاح اعمال و نیت خود بپردازند و به الله تعالی متوسل شوند و آیین خویش را خالصانه از آن الله کنند، فقط و فقط او را بپرستند و به فریاد خوانند و خالق و رازق دانند، پس آنان در زمرۀ مؤمنان خواهند بود، و پاداش مؤمنان را خواهند داشت و الله تعالی به مؤمنان پاداش بزرگی خواهد داد.

ای کسانیکه فریب خورده اید! به خطاب‌های الله متعال توجه بفرمایید که از دوستی و همکاری و همفکری صلیبی ها و به خصوص یهود و نصاری چه ضرر بزرگی را متحمل شده‌اید، حتی الله تعالی کسانی را که با صلیب همکار شده‌اند، در لیست آنها قرار داده وحکم نفاق آنها را صادر کرده است اما از جایی که الله تعالی، ارحم الراحمین و غفور و رحیم است، نمی‌خواهد بندگانش را از دربارش براند؛ لذا با مژدۀ: ایشان را نوازش داده است که ای بندگان من، که فریب کفار را خورده‌اید اگر شما از دوستی و همکاری و همفکری صلیب توبه کنید و به سوی رب‌العالمین باز گردید و از فسادی که تا به حال بر اثر همکاری با صلیب به وجود آمده بود، باز آیید و به اصلاح مفاسد قیام کنید و دین را برای الله متعال خالص گردانید؛ یعنی، گوش به فرمان او باشید،

دروازۀ وسیع ارحم الراحمین باز است و توبۀ شما را می پذیرد و شما را در فهرست مؤمنان قرار می دهد و الله تعالی به مؤمنان اجر عظیم عنایت می فرماید.

ای فریب خوردکان! اگر تا کنون فریب شیاطین انس و جن را خورده‌اید و با فرعون‌های زمان همچون سیاف، کشاف، مجددی،..... و سایر منافقان و مزدوران صلیب همفکر و همکار بوده‌اید از رحمت‌های وسیع رب‌العالمین نا امید نشوید؛ باز گردید و به اصلاح مفاسد جامعه بپردازید و به همکاری و همفکری طاغوت های زمان ادامه ندهید و به فرمان خالق و مالک خویش گوش فرادهید که به من و شما با لطف و احسان خویش خطاب میکند، ای کسانی که اظهار ایمان کرده‌اید و خود را مؤمن میدانید، دشمنان من و دشمنان خود را (یهود و نصاری و دیگر کفار) دوست و سرپرست قرار ندهید.

چنانکه در سورۀ مبارکۀ ممتحنه فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاء تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءكُم مِّنَ الْحَقِّ). الممتحنة/**1**)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمنان مرا و دشمنان خود را دوست قرار ندهید و با آنها دوستی نکنید چون که آنها منکر حق و حقیقت‌اند که نزد شما آمده است یعنی، قرآن مجید و پیامبر اسلام.

لذا دشمنان الله و دشمنان خود را هرگز دوست و ولی نگیرید، این از لطف و احسان رب‌العالمین است که دشمنان مسلمانان را دشمنان خود معرفی میکند و از محبت کردن به آنها منع میکند. همکاری و همفکری با کفار دلیل محبت به آنهاست، در واقع همۀ مسلمانان جهان از طرف رب‌العالمین مأموریت دارند که با دشمنان الله متعال و دشمنان خود نبرد کنند و با آنها به جنگ پردازند به خصوص هنگامی که آنها مهاجم و اشغالگر باشند.

مؤمن قوی

عن أبی هریرة ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: (المؤمن القوی خیر وأحب إلی الله من المؤمن الضعیف وفی کل خیر احرص علی ما ینفعک، واستعن بالله ولا تعجز، وإن أصابک شیء فلا تقل: لو أنی فعلت کذا، کان کذا وکذا، ولکن قل: قدر الله وما شاء فعل فإن لو تفتح عمل الشیطان). مسلم

ترجمه: از ابو هریره ﷺ روایت است که، آنحضرت ﷺ فرمود: در نزد الله تعالی مؤمن قوی ونیرومند از مؤمن ضعیف بهتر ومحبوب تر است، ودر هر دوی شان خیر وجود دارد. حریص باش بآنچه برایت نفع میرساند، واز الله تعالی یاری خواسته و نا توان مشو، هرگاه ترا چیزی برسد مگو: اگر من چنین میکردم چنین وچنان میشد ولی بگو الله تعالی فیصله کرده بود وآنچه الله تعالی بخواهد انجام میدهد، زیرا کلمۀ "اگر" دروزاۀ وسوسۀ شیطان را باز میکند.

این حدیث مبارک مشتمل بر اصول اساسی وسخنان جامع وپر محتوی است.

از آنجمله: ثبوت صفت محبت برای الله تعالی واینکه این صفت به چیزهای که الله تعالی به آنها محبت دارد وبه کسیکه به اجرای این امور قیام میکند تعلق میگیرد و این را نیز ثابت میسازد که این صفات با اراده و مشیئت الله تعالی ارتباط دارد و نظر به اشخاص فرق میکند، به این معنی که محبت الله تعالی به بندۀ مؤمن قوی از محبتش به بندۀ مؤمن ضعیف بیشتر میباشد.

و حدیث مبارک دلیلی است بر اینکه ایمان عبارت از مسائل اعتقادی و عملی و چیزهای گفتنی است، واین مذهب اهل سنت وجماعت است. چرا که ایمان دارای هفتاد و چند شاخه است که اعلا ترین این شاخه ها گفتن کلمه "لا إله إلا الله" است و ادنی ترین آنها دور کردن چیزها از سر راه ها است که باعث اذیت عابرین میگردد . وحیاء شاخۀ بزرگی از ایمان است. این شاخه های ایمان شامل اعمال باطنی و ظاهری هر دو میگردد، و کسیکه به همۀ این شاخه ها عمل کند، و

خویشتن را به علم پر منفعت و عمل صالح مکمل سازد، و دیگران را نیز توصیه به حق و توصیه به صبر نماید، از زمرهٔ مؤمنان قوی بشمار می آید ودر برگیرندهٔ اعلا ترین مراتب ایمان میگردد، و کسیکه به چیز های متذکره عمل نکند از مؤمنان ضعیف بشمار می آید.

این حدیث از جمله دلائلی است که علماء از آن بر زیادت ونقص ایمان حجت گرفته اند به این معنی که ایمان به طاعت زیاد وبه معاصی کم میگردد. اما قوت ایمان مؤمن قوی بقدر معلومات وی به اشیاء مؤمن به وشناختن از مسائل ایمان و عمل نمودن به این امور می باشد. این اصل را بسیاری از آیات قرآن مجید واحادیث نبوی تأیید می نماید. واین حدیث به این دلالت دارد که مؤمنان در کار های خیر، ومحبت الله تعالی و پای بندی بدین الله تعالی با هم متفاوت اند.

چنانچه الله تعالی میفرماید: (وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا). ''احقاف/19''

ترجمه: برای هر کدام شان مطابق به اعمالیکه انجام داده اند درجاتی تعین شده است.

در حدیث متذکرهٔ فوق حالت سه طائفهٔ از مردم بیان شده است: سبقت کنندگان بسوی خیرات: آنها کسانی اند که به ادای واجبات و مستحبات قیام میکنند. و از محرمات و مکروهات اجتناب می ورزند، و حتی مباحاتی که در آنها اسراف دیده میشود ترک میکنند.

وهر عملی را که شروع می نمایند او را مکمل میسازند و ایشان متصف به تمام صفات کمال میباشند.

میانه روان: کسانی اند که تنها به واجبات عمل میکنند و ممنوعات را ترک میکنند.

ستمگاران بر خویشتن: همان کسانی اند که اعمال نیک خود را با سیئات خلط کردند. این فرمودهٔ پیامبر اسلام ﷺ «حریص باش به آنچه برایت نفع می رساند واز الله تعالی یاری بخواه» سخنی است نهایت جامع ومفید که شامل سعادت دنیا وآخرت میگردد.

امور پر منفعت به دو قسم است: امور دینی، وامور دنیوی.

انسان همان طوریکه محتاج به امور دینی خود است به امور دنیوی خود نیز احتیاج دارد، ومدار سعادت و تو فیقش در حرص، کوشش و جدیت اش به یکی از این دو امر پر منفعت به استعانت الله تعالی صورت میگیرد، و زمانیکه انسان برای امور پر فائده کوشش و جدیت کند و اسباب و طرق آنرا بپیماید، و از رب خویش برای حصول و اکمال این امور کمک و یاری بخواهد، همین

برایش کمال و فلاح شمرده میشود.

و اگر یکی از این امور سه گانه از وی ترک شود در حقیقت او به اندازهٔ آن از خیر زیاد محروم شده است. و کسیکه برای بدست آوردن امور پر منفعت حریص نباشد، کسالت و تنبلی نماید چیزی را حاصل نمیکند. کسالت بذات خویش زیان و ناکامی است و شخص کسول و تنبل نه خیر را بدست می آورد، و نه به عزتی میرسد، و نه هم بهرهٔ دینی و دنیوی حاصل میکند. و اگر حرص به کار های غیر مفید نماید این کارها یا از چیزهای ضررناک بوده و یا از کارهای است که باعث پس ماندگی وی از کمال انسانیت میگردد، و ثمرهٔ کوشش وی جز زیان وتبهکاری و عقب ماندگی از کار های خیر، و مبتلا شدن به شر و ضرر چیز دیگری نیست. چه بسا از کسانیکه در راه های غلط وکار های غیر مفید حریص بودند و از حرص شان جز رنج و خستگی و بد بختی چیز دیگری عاید حال شان نگردیده است.

اگر انسان راههای مفید و صحیحی را انتخاب کند و برای حصول این راهها حریص باشد، و جدیت وتلاش نماید (پیمودن مسیر حق ورسیدن به درجهٔ کمال انسانی جز به صدق و راستی و التجا به الله تعالی واستعانت از جناب او تعالی ممکن نیست و شخص که این راه را جستجو میکند نباید هیچگاه تنها اعتماد بزور خود داشته بلکه در ظاهر و باطن به الله خویش اعتماد و توکل داشته باشد) درین وقـت است که برایش تمام مصائب ومشاکل سهل و آسان گردیده و کارش به گونهٔ احسن و با ثمرات پاکیزهٔ به پایان می رسد. او درین حالت شدیداً احتیاج به معرفت اموری دارد که مناسب است برای رسیدن به آنها تلاش وجدیت نماید. امور نافع در دین به دو امر اساسی نیاز دارد وآنها عبارت است از علم نافع وعمل صالح.

امر اول که همانا علم نافع است عبارت از علمی است که بداشتن آن برای انسان تزکیهٔ قلب و روح حاصل میشود، و باعث سعادت دارین او میگردد، و آن عبارت از علمی است که پیامبر اسلام ﷺ از قرآن مجید و احادیث نبوی و فقه اسلامی برای ما ارشاد فرمودند و نیز گرفتن علوم عربی بحیث ممد علوم متذکره ضرور پنداشته میشود.

برای طالب علم حفظ کردن جزء از اجزائیکه در هر فن تعلیم میگیرد نیز لازم است. واگر حفظ آن برایش دشوار میگردید باید آن جزوه ها را بسیار تکرار نماید، معانی و مفهوم آنها را بدقت

تحت مطالعه قرار دهد تا در ذهن وقلبش جایگزین شود. انسان اگر اصول هر علم را حفظ نماید و مطالبش در ملکۀ وی مستقر گردد، سائر کتاب های آن علم از کوچک وبزرگ برایش سهل وآسان میگردد. واگر به اصول هر علم اهتمام نه نمود وآنرا ضایع ساخت از استفادۀ آن علم محروم میشود.

اگر طالب علم بر چیزهای متذکرۀ فوق حرص نماید، واز الله تعالی درین مورد کمک ویاری بخواهد، بدون شک الله تعالی اورا یاری ومدد میکند و در عملش برکت میاندازد.

و راه را که انتخاب نموده است برایش سهل وآسان میسازد. واگر طالب علم طریقۀ دیگری را بجز ازین طریقه اختیار کند، اوقات وی ضایع میگردد وبغیر از تعب ورنج چیزی دیگری عائد حال وی نمیشود، چنانچه این کار به تجربه ثابت شده است و واقعیت حال شاهد این امر است.

واگر الله تعالی برایش معلمی را مهیا سازد که به وجه احسن طریقۀ تعلیم و راههای فهم آن را بداند در این وقت است که اسباب و وسائل تحصیل علم برایش آسان میگردد.

امر دوم: عمل صالح است. و آن عملی است که توأم با اخلاص بوده، ومتابعت از پیامبر ﷺ در آن صورت بگیرد. وتقرب جستن به الله تعالی و اعتقاد داشتن بر اینکه الله تعالی دارای صفات کمال بوده و تنها او است سزاوار عبادت، تنزیه و پاکی الله تعالی از چیزهائیکه لایق شأن الله نیست، و تصدیق نمودن رسول الله ﷺ است به تمام چیزهای که از جانب الله تعالی از گذشته وآینده از پیامبران، کتابها، فرشته ها، احوال آخرت، بهشت و دوزخ، ثواب و عذاب وغیره اموریکه خبر داده است. سپس سعی ورزیدن در ادای چیزهائیکه الله تعالی بر بندگان خود از حقوقش و حقوق مخلوق خود فرض نموده است. واین فرائض را به ادای سنن ونوافل مکمل نماید. مخصوصاً ادای سنت های مؤکده در اوقات آنها و در بسر رسیدن این امور از الله تعالی یاری بخواهد وآنها را با اخلاص کامل، و بدون غرضی از اغراض نفسانی به اکمال برساند. و به همین منوال به ترک محرمات مخصوصاً محرماتی که نفس به وی تمایل مینماید مبادرت ورزد، ترک این محرمات تقرب به الله تعالی حاصل میکند مثلیکه به فعل مأمورات به لله تعالی تقرب جسته است. زمانیکه انسان توفیق عمل به این راهها را حاصل کرد والله تعالی اورا درین امر یاری نمود او در واقع رستگار و کامیاب گردیده است.

امور پر منفعت در دنیا: انسان ناچار است که در طلب رزق سعی ورزد، درین صورت مناسب حال او این خواهد بود که از مفید ترین اسباب و وسایل دنیوی که لایق حال وی است استفاده بعمل آورد و مقصد از کسب و کارش پوره کردن چیزهای مورد ضرورت خودش، و کسانیکه تحت سر پرستی وی است، واشخاصیکه کفالت آنها را بدوش دارد بگرداند، و باین نیت باشد که روزی کفاف بدست آورد و از سؤال کردن مردم بی نیاز گردد، و از کسب و کارش این هدف را نیز داشته باشد که به عبادت مالی مانند: زکات، صدقات نافله، و نفقات خیریهٔ عامه و خاصه بپردازد. و زمانیکه انسان به همین هدف عالی و پاک در طلب روزی خویش سعی ورزد. و از راههای مناسب و مفید استفاده بعمل آورد. تمام حرکات و کوشش وی در راه الله تعالی، و وسیلهٔ تقرب به الله تعالی محسوب میگردد.

و در همهٔ این امور نباید انسان به قوت، ذکاوت و نیرو و فهم دانش خودش و یا بمعرفتش به اسباب وادارهٔ امور اتکاء و اعتماد نماید بلکه از الله تعالی یاری و کمک خواسته و به او توکل کند، و به این امید باشد که همهٔ امور را الله تعالی برایش سهل و آسان سازد و او را موفق وپیروز گرداند و به مرادش نایل گرداند. و از الله تعالی بخواهد که در رزق وی برکت بیاندازد. اولین برکت رزق این است که اساس کارش بر تقوی و نیت نیکو باشد، و این نیز از جملهٔ برکت رزق بشمار می آید که الله تعالی او را توفیق به ادای واجبات و مستحبات عنایت فرماید و از برکت در رزق این هم گفته میشود که در معاملات خویش احسان وخیر خواهی را فراموش ننماید.

چنانچه الله تعالی میفرماید: (وَلاَ تَنسَوُاْ الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ) ''بقرة/**237**''

ترجمه: نیکی را در میان خویش فراموش ننمائید.

بر فراخ دستان آسانی نمودن، وبر تنگ دستان مهلت دادن، و در وقت خرید و فروش به اندازهٔ توان خود از کم و زیاد بخشش نمودن، انسان خیر بسیاری را بدست می آورد.

کدام کار وکسب بهتر است؟

دانشمندان درین مورد آراء ونظریات مختلفی ارایه داده اند، بعضی اشتغال به زراعت را بهتر دانسته ودستهٔ تجارت وخرید و فروش را افضل تر، و عدهٔ حرفه و صنعت را اولی تر گفته اند.

مگر این حدیث مبارک حد فاصل برای این منازعه بشمار می آید وآن این فرمودهٔ پیامبر اسلام

ﷺ است که میفرماید: «احرص علی ما ینفعک...» (حریص باش بآنچه برایت نفع میرساند. واز الله تعالی یاری خواسته ونا توان مشو...).

وحریص باش بآنچه برایت نفع می رساند، این گفته نظر به احوال و اشخاص فرق میکند. برای گروه از مردم اشتغال به زراعت، کشت وکار و برای عدۀ دیگر تجارت، خرید و فروش اشیاء و برای بعضی حرفه وصناعت بهتراست، در صورتیکه آنرا بوجه احسن بداند افضل بشمار می آید، زیرا این کار هم برای خودش مفید بوده وهم بدیگران نفعش می رسد.

درود وسلام الله بر پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ که الله تعالی برایشان چنین سخنان جامع ونافع را ارزانی نموده است. و در جزء اخیر حدیث «وإن أصابک شيء...» (هرگاه ترا چیزی «بدی» برسد...) رسول الله ﷺ رضاء شدن، به قضاء وقدر الله تعالی ترغیب نموده اند.

اگر انسان سعی وکوشش نهایی خود را در کسب و کار پر منفعت مبذول داشت ولی برایش چیزیکه باعث نفرت وکراهت وی میگردد رسید سبب آنرا ترک نمودن بعضی از اسباب و وسایلی که بگمان وی انجام دادن آنها برایش مفید ثابت میشد، نداند، بلکه آنرا به قضا و قدر الله تعالی نسبت دهد تا در ایمان وی زیادت بعمل آید، سکون و اطمینان روحی برایش حاصل شود زیرا استعمال لفظ "اگر" در همچو وقتی دروازۀ وسوسۀ شیطان را باز میکند و برایش شک و شبهه در مورد قضا وقدر بوجود می آید، و یا حد اقل در بارۀ قدر در ذهنش اعتراض خطور میکند که باعث نقص ایمان وی میشود، دروازۀ اندوه و غم که باعث ازدیاد تشویش خاطر وی میگردد برویش باز مشود.

واین فرمودۀ آنحضرت ﷺ است: (قل قدر الله وما شاء فعل)، (بگو الله تعالی مقدر ساخته بود وآنچه الله تعالی بخواهد انجام میدهد) از بهترین چیزهای راحت کنندۀ قلب و از مفید ترین علاج برای قناعت انسان در زندگی پاکیزه بشمار می آید. واین است حریص بودن برای حصول امور پر منفعت وسعی ورزیدن جهت فراهم آوردن این امور و استعانت جستن از الله تعالی بر چیز هائیکه برایش در این امور آسانی بعمل آمده وراضی بودن است بر چیزهائیکه از دست داده است.

واین را باید فهمید که استعمال لفظ "لو" یعنی "اگر" نظر به مقاصدیکه استعمال میشود فرق

میکند به این معنی که اگر لفظ (لو) (اگر) در حالتی استعمال میگردد که امکان جبران چیزهای از دست رفته به آن شود درین وقت دروازه وسوسهٔ شیطان باز میگردد چنانچه قبلاً هم تذکر شد به همین قسم اگر لفظ "لو " "اگر" در کارهای شر و گناه استعمال گردد تکرار این لفظ مذموم بوده و گویندهٔ آن گنهکار میگردد اگر چه گناهی را هم مرتکب نشده باشد زیرا وی آرزوی گناه کردن را نموده است اما اگر این لفظ در کار خیر ودر شرح و بیان چیز های مفید استعمال شود خوب وپسندیده است. چرا که از وسائل واسباب بمنظور رسیدن به اهداف استفاده میگردد، پیامبر ﷺ درین حدیث مبارک بین ایمان به قضاء و قدر و عمل نمودن به اسباب و وسایل مفید جمع کرده اند وبر این دواصل قرآنکریم واحادیث شریف دربسا مواضع رهنمایی وارشاد نموده است و ایمان بدون این دو اصل کامل نمیگردد وحتی مقاصد مهم بجز این دو اصل اتمام پذیر نیست زیرا این گفتهٔ پیامبر اسلام ﷺ «بر چیزهائیکه برایش نفع می رساند حرص نما ...» دستوری است که شامل اسباب دینی ودنیوی هر دو میگردد. وعلاوه بر آن هدایتی است برای جدیت و حریص بودن در نیت و عمل و تدبیر و این فرمودهٔ پیامبر اسلام ﷺ «از الله تعالی یاری بجوی....» ایمان به قضاء وقدر را ثابت میسازد، وهدایتی است بر توکل نمودن به الله تعالی و اعتماد کامل بر قدرت و توانای او تعالی در جلب مصالح و دفع ضررها به امید و اطمینان بر پیروزی از جانب الله تعالی. کسیکه از پیامبر اسلام ﷺ پیروی می نماید بر او است که در امر دین ودنیای خود بر الله تعالی توکل کند و از اسباب و وسائل مفید به اندازهٔ علم و فهم خویش کار بگیرد. الله تعالی یار ومددگار است.

(کتاب مطالعه/27)

وقایه ازمعاصي

در مورد علاج و راههای جلوگیری از ارتکاب معاصی و میلان بسوی گناه.

مقولهٔ مشهور است، که (وقایه بهتر از علاج است).

این سخن همچنانکه در مورد وقایهٔ بدن از امراض صدق میکند، در مورد وقایهٔ قلب از امراض معنوی نیز قابل تطبیق است.

میدانیم که معصیتها عامل اصلی بیماری قلب و درعین حال نشان دهندهٔ این امراست که قلب انسان گرفتار امراض معنوی میباشد. اما سوال اینست، که انسان چگونه میتواند، که خود را ازین عوامل مرضی وقایهٔ کند؟ درحال که استعداد و قابلیت گناه در نفس انسانی بصورت فطری وجود دارد. وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا). (الشمس/ 7ـ8)

(وقسم به نفس وآنکه آن را درست و نیکونمود، پس بد کاری وپرهیزگاری اش را به او الهام کرد.

در جواب میتوان گفت که این درست است که نفس انسانی جراثیم معصیت را به خود دارد، اما تا زمانیکه قلب انسان از صحت و عافیت برخوردار بوده و با نور ایمان معمور ومنور باشد، این جراثیم مغلوب میباشند. ولی زمانیکه بنابر عوامل مختلف محطی نور وصبغهٔ ایمانی آن کمرنگ شد، جراثیم نهفته در نفس فضای مناسبی بدست آورده و با استفاده از آن به حرکت افتاده و باگذشت هر روز بزرگتر و فعالتر میشوند و درست مانند جراثیم و میکروبهای جسمی تکثر نموده و امراض گوناگونی را باعث میگردد.

فضاء و محیط مناسب و ملایم برای این جراثیم تمام دیدنی ها، شنیدنیها، خوراکه ها وخواندنی هایی میگردد که سبب تحریک شهوات و هیجان نفس میگردد و زمانیکه شهوات انسان تحت تأثیر این عوامل قرار گرفته و به هیجان افتاد، درین وقت است که انسان بسوی گناه حرکت کرده وذکر الهی را فراموش میکند.

پس گفته میتوانیم که بدترین عواملی که در ایجاد فضای مناسب برای فعالیت جراثیم گناه مؤثر

است عبارت از بی حجابی و برهنگی زنان، آهنگهای فاحش، آمیزشهای حرام، رفت وآمد در اماکن اهل غفلت، شنیدن سخنان اهل باطل و امثال آنها میباشد. این عوامل جرثومه های گناه را در نفس انسانی تقویت کرده و به سرحدی میرساند که برتمام نفس غالب گردیده و ارتکاب گناه را برایش آسان وبی اهمیت سازد.

اما شرایط و فضاییکه جراثیم گناه را ضعیف میسازد، تمام اموری است که ارزشهای ایمان را درقلب انسان تقویت کرده، علم و معرفت حقیقی پروردگار را نصیب انسان میسازد. بعنوان مثال صحبت با انسانهای صالح و دعوتگران مخلص و عمل به اسلام ازبهترین پناگاههای است که انسان میتواند در آن پناه ببرد. زیرا در اثر این صحبتها و همنشینیها جرثومه های گناه در نفس سرکوب و ضعیف میگردد. و در اخیر بایدگفت؛ بهترین و قایه در برابر این جرثومه ها اینست که مسلمان هیچ گناهی را صغیر نشمرد اگر چه در نظر مردم خیلی کوچک و ناچیزجلوه کند.

زیرا میدانیم که پشتارهٔ بزرگ از شاخچه های خیلی کوچک و نازک تشکیل میگردد. همچنان باید بکوشد تا خود را در معرض اسباب و عواملی که سبب تقویت جراثیم و ضعف ایمان میگردد قرار ندهد و به هیچ صورتی صحت و عافیت قلبی خود مغرور و فریفته نگردد. زیرا هیچ کسی این را عاقلانه نمیداند که کسی خود را در معرض میکروبهای سل قرار داده و بدون تدابیر لازم به اماکن مریضان سل داخل شود به این حجت که از صحت و عافیت بدنی بر خوردار میباشد.

موقف داعی در برابر معصیتکاران:

داعی باید معصیتکاران را به نظر ترحم و شفقت نگریسته و آنها را مانند کسی فرض کند که در شب تاریک در کنار غار خطرناک ایستاده اند و هر لحظه خطر این میرود که به قعر این درهٔ هولناک بیافتد. پس داعی باید با تمام سعی و تلاش و باکمال اخلاص بکوشد که آنها را ازین حالت نجات داده، از سقوط و هلاکت ابدی آنها جلوگیری کند. برای نیل به این هدف ارجمند باید هرگونه تجاوز و اهانتی که به شخص او متوجه میگردد گذشت نموده و هیچگاه به انتقام، شماتت و فخر فروشی بر آنها نشود.

اما جایز است که بخاطر معصیت و تجاوزی که از حدود الهی مرتکب میشوند آنها را صغیر و بی

مقدار بداند و بخاطر پایمال شدن حدود الهی به خشم آید.

(ومانیل منه شيء فانتقمه من صاحبه إلا أن تنتهک محارم الله عز وجل فینتقم لله عزوجل).

(مسند احمد عن عایشه رضی الله عنها)

(پیامبر ﷺ هچگاه در برابر تجاوز که به ایشان صورت میگرفت از کسی انتقام نمیگرفت مگر اینکه محارم الهی مورد تجاوز قرار میگرفت که در آنصورت بخاطر الله تعالی انتقام میگرفت)، از جمله محارمی که مسلمان باید بخاطر پایمال شدن آن به خشم آید یکی هم مقابله و معارضهٔ اهل باطل بادعوت الی الله و ایجاد ممانعت در راه دعوت و اذیت رسانی به دعوتگران میباشد. درین حالت برای داعی لازم است که شیوهٔ را در پیش گیرد که معصیت کاران مست و مغرور را سرجایش نشانده و دست تجاوز و تعدی شانرا از سر دعوت و دعوتگران کوتاه سازد.

البته بشرطی که به اندازهٔ ضرورت اکتفاء نموده و ازحد لازم تجاوز نکند و در حالیکه آرزوی هدایت و اصلاح این تجاوز کاران را دارد، کارش را از خفیف ترین وسیلهٔ مانعه آغاز نموده و درصورت ضرورت قدمهای بعدی را بردارد.

(اصول دعوت/504)

داستان مسلمان شدن حمزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه عموی پیامبر صلی الله علیه وسلم و رکانه بن عبد یزید بن هاشم بن مطلب بن ...

یعقوب بن عتبه: میگوید: ابوجهل در کوه صفا سد راه رسول اللهﷺ شد و او را اذیت کرد. این در حالی بود که حمزهؓ شکارچی بود و آن روز به شکار رفته بود. هنگامی که بازگشت، زنش که اذیت شدن پیامبر صلی الله علیه وسلم توسط ابوجهل را دیده بود، به او گفت: ای ابو عماره، اگر میدیدی که ابوجهل با برادرزاده ات چه کرد؟

حمزهؓ خشمگین شد و به خانه داخل نشد، در حالیکه کمانش را به گردنش آویخته بود، به راه افتاد، تا اینکه وارد مسجد شد، دید که ابوجهل در یکی از انجمنهای قریش نشسته است، با او

حرفی نزد تا اینکه با کمانش، ضربه ای به سر او زد و آن را شکست، آنگاه مردانی از قریش برخاستند، حمزه را گرفتند، آنگاه حمزهﷺ گفت: دین من، دین محمد است، گواهی میدهم که او رسول الله است، بخدا از این دین دست بر نمیدارم و اگر شما راست میگوئید بیایید، مرا از آن منع کنید. "طبرانی و ابن هشام"

هنگامی که حمزهﷺ مسلمان شد، رسول اللهﷺ و مسلمانان با او عزتمند شدند و بعضی از امورشان استقرار یافت و قریش از او ترسیدند و دانستند که حمزهﷺ از او محافظت خواهد کرد.

سعید بن جبیرﷺ میگوید: رسول اللهﷺ در بطحاء بود. یزید بن رکانه یا رکانه بن یزید در حالیکه بز ماده به همراه داشت پیش وی آمد. و به او گفت: ای محمدﷺ آیا حاضر هستی با من کشتی بگیری؟ پیامبرﷺ فرمود: اگر تو را به زمین بزدم، و برنده شدم، چه به من میدهی؟ گفت: یکی از گوسفندانم را به تو میدهم.

آنگاه با هم کشتی گرفتند و پیامبرﷺ او را به زمین زد و برنده شد و گوسفند را گرفت، رکانه گفت: آیا حاضرهستی دوباره کشتی بگیریم؟ پیامبرﷺ فرمود: اگر من برنده شوم، چه به من میدهی؟ گفت: گوسفند دیگر.

و رکانه این مورد را چندین بار ذکر کرد، (منظور این است که رکانه چندین بار از پیامبر خواست که با او کشتی بگیرد و آنها چندین بار با هم کشتی گرفتند و در هر دفعه پیامبرج او را به زمین میزد و گوسفندی از او میگرفت) وگفت: ای محمد؛ بخدا ای محمد، کسی مرا به زمین نزده و این تو نیستی که مرا به زمین میزنی(یعنی رکانه دانست که پیامبر آن کسی نیست که با نیروی معمولیش او را به زمین میزند، بلکه الله تعالی است که در این ارتباط او را یاری میدهد و با این عمل به این نتیجه رسید که وی رسولِ الله تعالی است و الله تعالی وی را تأیید و حمایت میکند)، آنگاه رکانه مسلمان شد و رسول اللهﷺ گوسفندش را به او پس داد. "ابوداود وبیهقی"

نکته ها و عبرتها:

1ـ بر کسی که به سوی الله دعوت می‌کند، لازم است که در راه الله تعالی اذیت و ناراحتی ها را تحمل نماید و اذیتهایی کلامی و بدنی و مالی و دیگر اذیتها و آزارهایی را که از ناحیهٔ مدعوان به او میرسد، بر دوش خود هموار سازد.

2ـ الله تعالی گاهی اوقات نسبت به دشمنانش مکر اندیشی نموده، کید و حقهٔ آنها را از بین میبرد و عملی را که آنها بمنظور جلوگیری از دین الله تعالی انجام می‌دهند، به عنوان سببی برای هدایت بعضی از افرادی که هدایت آنها را میخواهد، قرار میدهد، چنانکه این مسأله برای حمزهﷺ روی داد، مهمتر و بزرگتر از آن، اتفاقی است که برای حضرت موسی علیه السلام روی داد، چه الله تعالی کید فرعون را بعنوان سببی در تربیت پیامبرش موسی؛ در قصر وی قرار داد، قتل و نابودی وی را بر دستان موسی قرار داد.

3ـ گاهی بنده بدون هیچ اخلاص، بلکه بخاطر یک هدف دنیایی مانند تعصب یا منفعت مادی یا مانند این دو، وارد دین الله تعالی میشود یا عمل صالح انجام میدهد، اما بسیار وقت نمیگذرد که ایمانش قوی میشود و در اعمالش برای الله تعالی اخلاص پیدا مینماید، چنانکه این حال حمزهﷺ است.

4 ـ در داستان رکانه ـ چنانکه بر میآید ـ یکی از دلایل نبوت وجود دارد و به همین خاطر، علت مسلمان شدن وی آن بود که مطمئن شد علت زمین خوردن او توسط پیامبرﷺ در هر دفعه، مایه گرفته از تأیید و حمایت الله تعالی نسبت به پیامبرشﷺ میباشد.

5ـ جواز کُشتی ای که زیانی برای دو کشتی گیر در بر ندارد، اما کشتی هایی که برای یکی از آنها زیان در بر دارد، همانگونه که در کشتی ها و مشت زنی های عصر حاضر روی میدهد، قطعاً حرام هستند، زیرا پیامبرﷺ فرموده: (لا ضرر و لا ضرار)، "امام مالک، امام حمد وابن ماجه" (در دین هیچ ضرری وجود ندارد و نباید ضرر را با ضرر پاسخ داد). بقیه بازیهای دیگر هم مانند کشتی هستند، آنهایی که فاقد ضرر هستند و هیچ ممنوعیت و محظوریت شرعی ندارند، جایز میباشند و آنهایی که ضرررسان هستند و ممنوعیت شرعی دارند، حرام میباشند.

6ـ جواز گرفتن مال توسط کسی که در کشتی و مانند آن برنده میشود، در صورتیکه یکی از کشتی گیران آن را داوطلبانه پیشنهاد کند و اگر طرف سومی هم آن را بدهد، خالی از اشکال است، اما اگر طرف شکست خورده مال را بپردازد، در نظر بسیاری از اهل علم، این کار از نوع قمار است که حرام میباشد. (در رابطه با مسایل کشتی ها و مانند آنها نگاه کنید به: الفروسیه، اثر ابن قیم، و تعلیق محققش بر آن و "المسابقات" اثر دکتر سعد شثری).

"داستان اسلام صحابه/74"

مصاحبه ها

محمد صدیق "کریمی" از تاجکستان

اداره: برادر عزیز! السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

مهمان: وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته.

اداره: مجاهد عزیز! درقدم اول خود را به ادارهٔ جندالله معرفی نمایید؟

مهمان: اسم من محمد صدیق "کریمی" از جمهوری تاجکستان ولایت ختلان و ناحیهٔ کوبیش میباشم.

اداره: مجاهد عزیز! پیش از هجرت چه وظیفه داشتید؟

مهمان: قبل از هجرت در روسیه با برادران خود دوکانداری و تجارت میکردیم.

اداره: مجاهد عزیز! چه باعث شد که راه جهاد و هجرت را انتخاب نمودید؟

مهمان: این راه؛ راه الله تعالی و طریقهٔ رسول الله ﷺ است، که رسول الله ﷺ مهربانی مینمایند:

عن مُعاذِ بن جَبَلٍ رَضِیَ اللهُ عَنْهُ، قالَ: قُلْتُ: یا رَسُولَ الله، أَخْبِرْنِی بِعَمَلٍ یُدْخِلُنی الجَنَّةَ ویُباعِدُنی عَنِ النَّارِ. قَالَ: (لَقَدْ سَأَلْتَ عَنْ عَظِیْمٍ، وَإِنَّهُ لَیَسِیْرٌ عَلَى مَنْ یَسَّرَهُ اللهُ تَعَالَى عَلَیْهِ؛ تَعْبُدُ اللهَ لاَ تُشْرِکُ بِهِ شَیْئًا، وَتُقِیمُ الصَّلاَةَ، وَتُؤْتِی الزَّکَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَیْتَ». ثمَّ قَالَ: أَلاَ أَدُلُّکَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَیْرِ؟ الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِیئَةَ کَمَا یُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَصَلاَةُ الرَّجُلِ فِی جَوْفِ اللَّیْلِ). ثُمَّ تَلاَ: (تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ...) حَتَّى بَلَغَ: (یَعْمَلُونَ). "السجدة/16- 17" ثُمَّ قَالَ: (أَلاَ أُخْبِرُکَ بِرَأْسِ الأَمْرِ وَعَمُودِهِ وَذِرْوَةِ سَنَامِهِ؟) قُلْتُ: بَلى یَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: (رَأْسُ الأَمْرِ الإِسْلاَمُ، وَعَمُودُهُ الصَّلاَةُ، وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ). ثُمَّ قَالَ: (أَلاَ أُخْبِرُکَ بِمِلاَکِ ذَلِکَ کُلِّهِ؟). قُلْتُ: بَلَى یَا رَسُولَ اللهِ. فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ: (کُفَّ عَلَیْکَ هَذَا). قُلْتُ: یَا نَبِیَّ اللهِ، وإِنَّا لَمُؤَاخَذُونَ بِمَا نَتَکَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: (ثَکِلَتْکَ أُمُّکَ، وَهَلْ یَکُبُّ النَّاسَ فِی النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ إِلاَّ حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ). "رواه

التِّرمذیٌّ''

از معاذ‎ﷺ روایت شده است که گفت: گفتم: ای رسول الله ﷺ! مرا از عملی آگاه کن که مرا داخل بهشت کند و از آتش دور سازد، فرمودند: درحقیقت از چیز بزرگی سؤال کردی و البته بر کسی که الله تعالی آن را بر او سهل گرداند، آسان است؛ الله تعالی را می‌پرستی و کسی یا چیزی را شریک او قرار نمی‌دهی، و نماز برپا می‌داری، و زکات می‌پردازی، و روزۀ رمضان را می‌گیری، و حج بیت (الله) را به جای می‌آوری، سپس گفت: آیا تو را به دروازه های نیکی، راهنمایی کنم؟ روزه، سپر است، صدقه و احسان، خطاها را خاموش می‌کند هم چنان که آب آتش را خاموش می‌نماید و نیز نماز نصف شب و سپس این دو آیه را تلاوت کرد: (تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ، فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاء بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (السجدة / 16-17)

(یکی از صفات مؤمنان این است که شب) پهلوهایشان از بسترها دور میسازند (و به عبادت پروردگار می‌پردازند) و پروردگار خود را با بیم و امید به فریاد می‌خوانند
و از چیزهایی که به ایشان داده‌ایم، می‌بخشند. هیچ‌کس نمی‌داند در برابر کارهایی که (مؤمنان) انجام می‌دهند، چه چیزهای شادی‌آفرین و مسرت بخشی برای ایشان پنهان و آماده شده است.
سپس فرمودند: آیا تو را از اساس کار و پایه و ستون و قسمت اعلای آن باخبر کنم؟ گفتم: بله، ای رسول الله ﷺ! فرمودند: «قسمت اعظم و رأس کار، اسلام و ستون آن، نماز و قسمت اعلای آن، جهاد است، سپس فرمودند: آیا تو را از اساس تمام این‌ها آگاه کنم؟ گفتم: بلی، ای رسول الله‎ﷺ! زبانش را گرفت و فرمودند: خود را از این حفظ کن، گفتم: ای رسول الله‎ﷺ! آیا ما در برابر آنچه تکلم می‌کنیم، بازخواست می‌شویم؟ فرمودند: مادرت به عزایت بنشیند! مگر جز محصولات زبان، چیزی دیگر مردم را بر صورت‌هایشان به داخل آتش می‌اندازد؟! چونکه رسول الله‎ﷺ و صحابۀ کرام رضوان الله علیهم اجمعین وسلف الصالحین نسبت از ما به درجه ها بهتر بودند، که آنها درین راه تکالیف ومشقت هارا متحمل شدند، تمام گناهای قبلی وبعدی رسول الله‎ﷺ بخشیده شده بود با وجودی که درین راه دندان مبارکش شهید شده ورخسار مبارکش مجروح گردید، ما نیز امت رسول الله‎ﷺ هستیم که درنقش قدم وی ﷺ رفتار نموده، جان و مال

خود را نثار مینماییم.

امروز، در تاجکستان؛ مساجد، مدارس دینی از طرف حکومت بند است، وتا سن 18 سالگی نمی گذارند که مسلمانها در مسجد بروند ونماز خود را باجماعت ادا نمایند، فعلا یک مدرسه از طرف نهضت اسلامی در آن جا وجود دارد، که از طرف حکومت اجازه نیست که در آن مدرسه تاسن چهل سالگی ریش بگذارند، خلاصه بالای مسلمانان بسیار ظلم است، وبه سنت های رسول الله ﷺ استهزاء مینمایند، پس بدین لحاظ راه جهاد وهجرت را انتخاب نمودیم.

انشاء الله تعالی به جهاد خود ادامه میدهم، انتقام مادران و خواهران که درزنداهای کفار و متجاوزین حیات بسر میبرند، از دشمنان اسلام خواهم گرفت، چرا که رسول الله ﷺ میفرماید: (المؤمن اخ المؤمن) مؤمن برادر مؤمن است، واز سوی دیگر به پیامبر محبوب ما اهانت میشود وقرآن ما به آتش کشیده میشود، همت و غیرت ایمانی و اسلامی ما اجازه نداد که من آنها را تماشا کرده آرام بنشینم.

پس؛ در راه الله تعالی جان و مال خود را بخشیدم و تاآخرین رمق حیات در مقابل دشمنان الله تعالی ورسول الله ﷺ میرزمم، اگرشهید و یا غازی شدم برایم کامیابی هست که قانون الله تعالی را در روی زمین حاکم میگردانیم، واگر شهید شدم هم پیروزی است، که انشاء الله تعالی به نعمت های ابدی بهشت برین میرسم، خلاصه درین راه هیچ ناکامی نیست.

اداره: مجاهد عزیز! به مسلمانان جهان؛ بالخصوص به مسلمانان تاجکستان چه نصیحت دارید؟
مهمان: نصیحت من به برادران مسلمان به ویژه برادرانیکه در تاجکستان در مدرسه همراه من همدرس بودند، اینست که هجرت نمایند، و در راه الله تعالی جهاد نمایند، و از ترس حکومت تاجکستان، ترس الله تعالی را فراموش نکنند، جهاد فرض عین شده است، و به حیات ذلت بار راضی نشوند، به جهاد خود ادامه داده به فضای آزاد منحیث یک مسلمان واقعی زندگی نمایند.

امروز؛ در تاجکستان استادان مدارس و دارلحفاظ ها را اسیر نموده و تبلیغی ها را زندانی نمودند، خلاصه نمی مانند که یک مسلمان منحیث مسلمان، آزاد زندگی نمایند. زنهای

مسلمانان را نمیگذارند که حجاب نمایند، حجاب اسلامی را از روی شان برداشتند.

عبدالله "المهاجر" از مدینه

اداره: برادرمجاهد! السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

مهمان: وعلیکم السلام و رحمت الله وبرکاته.

اداره: مجاهد عزیز! نخست خود را به ادارهٔ جندالله معرفی نمایید؟

مهمان: اسم من عبدالله (المهاجر)، باشندهٔ مدینهٔ منوره.

اداره: مجاهد عزیز! فعلا مصروف چه کار هستید؟

مهمان: فعلا؛ در سرزمین پاکستان و افغانستان علیه کفار وملحدین جهاد و مبارزه مینمایم.

اداره: مجاهد عزیز! در مورد جهاد افغانستان و پاکستان چه نظر داری؟ آیا فرق موجود است ویا خیر؟

مهمان: در نزد من هیچ فرقی وجود ندارد، بلکه جهاد پاکستان افضل تر از جهاد افغانستان است، چرا که پاکستان از جملهٔ بزرگترین کشور اسلامی بعداز اندونزیا به حساب میآید، چندین ملیون مسلمان درین جا سکونت دارند، نظام عسکری شان نیز قوی است، حکومت پاکستان از جملهٔ بزرگترین دشمنان الله بشمار میرود، بالای مسلمانان لازمیست که اولا علیه حکومت مزدور و مرتد پاکستان جهاد نمایند، تا ازین طریق بتوانند به ممالک دیگر حمله نمایند.

چراکه ابوبکرﷺ در زمان خلافت خویش علیه مرتدین جهاد کرده بود، و جهاد مرتدین را مقدم دانسته بود، و مرتدین دشمنان داخلی و زیر آستین هستند، پس برای مسلمانان و مجاهدین ضروریست که نخست علیه ایشان قیام نمایند، و در پاکستان قانون اسلامی حکم حاکم نیست، و برای مسلمانان لازمیست که قانون قرآن و حدیث را حاکم بسازند، و برای هرفرد مسلمان به اندازهٔ توان و قدرتش فرض عین است که برای حاکم نمودن قانون اسلامی حرکت نماید.

اداره: مجاهد عزیز! بعض علماء پاکستانی میگویند، که افغانستان از سوی صلیبی ها اشغال شده اند، و جهاد در آن جا فرض عین است، و پاکستان اشغال نشده است، و جهاد هم فرض نیست، درین مورد چه نظر دارید؟

مهمان: در نزد من هیچ فرقی موجود نیست، و من این را هم گفته نمیتوانم که جهاد افغانستان بهتر است از جهاد پاکستان، چرا که درپاکستان یکصدوهفتاد ملیون مسلمان زندگی مینمایند، و برای مسلمانان افغانستان ضرور است که در افغانستان جهاد نمایند، و برای مسلمانان پاکستان ضرور است که درپاکستان جهاد کنند، چنانچه الله تعالی مرحمت میکند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ قَاتِلُواْ الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُواْ فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِين). ''التوبة/123''

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کافران که نزدیک شما هستند بجنگید، الله تعالی به مؤمنان فرمان می‌دهد تا در جنگ با کفاری که نزدیک ایشانند،سختی نمایند، بر این اساس‌بود که رسول اللهﷺ به جنگ مشرکان در جزیرةالعرب اولویت دادند و باید که کافران از شما سختی ببینند، یعنی: مسلمانان باید در جنگ با کفار، شیوۀ خشونت و درشتی را در پیش گیرند، چه با زبان و چه با سلاح. و هرچند جهاد علیه کل کفار فرض است، اما آغاز کردن به جنگ با کفاری که به مجاهدان نزدیکند، مهمتر و مقدم‌تر می‌باشد، سپس در مرحلۀ دوم، جهاد با کفاری مطرح است که از نظر مکانی دورتر از آنان قرار دارند و این اولویت از نظر فاصلۀ مکانی، همین‌طور مرحله به مرحله درجه بندی می‌شود و بدانید که الله تعالی با پیروز ساختن ایشان درجهاد با متقیان است.

بلی! حرکت جهادی در قرنهای سه‌گانۀ اول اسلام که بهترین این امت در آن می‌زیستند، بر این منوال‌بود و همراه‌با حرکت‌جهادی، فتوحات‌اسلامی نیز به همین ترتیب جریان داشت تا وقتی که فتنه‌ها سربرآوردند، هواها و اختلافات در میان پادشاهان و امرای ممالک اسلامی بالا شد، بدین سبب جهاد با کفار خاموش شد، دشمنان در بلاد اسلام طمع کردند و بر بسیاری از سرزمین‌های آنان مسلط شدند.

پس این رهنمودهای قرآن، برای حرکت‌های جهادی دارای اهمیت خاصی است.

اداره: برادر عزیز! در راه جهاد و هجرت تکالیف و مشقتها را متحمل شدید، درین مورد چه گفتنی دارید؟

مهمان: در راه جهاد و هجرت طبعا تکالیف و مشقت ها میباشد، الله تعالی بندگان خود را به گرسنگی، تشنگی، ترس و خوف امتحان مینماید، الحمد لله در سرزمین جهاد و هجرت

قسماقسم نعمت های الله تعالی موجود است، و برای برادران مهاجر و مجاهد گفتنی من اینست که از الله تعالی اتفاق، اتحاد و همبستگی را سؤال نمایند، زیرا که رسول الله ﷺ در بین مهاجرین





تصاویری از انفجارات درسوریه





تصاویر انفجارات در عراق

خروج نیروهای امریکایی از افغانستان





تصاویر نیروهای افغانی و امریکایی درولسوالی وردوج بدخشان علیه سربازان اسلام



تصاویر عملیات استشهادی در ولایت فراه



تصاویری از انفجارات در افغانستان



عملیات فدائیان اسلام در جلال آباد

عملیات گروهی فدائیان در شرق افغانستان

و انصار اخوت و برادری را برقرار نمودند، الله سبحانه و تعالی مهربانی میکند: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ).

''الحجرات/**10**''

در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان صلح نمایید و از الله تعالی بترسید، امید است که مورد رحمت قرار گیرید.

الله تعالی نیز مرحمت میکند: (وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ). ''آل عمران/**103**''

و همگی به ریسمان الله تعالی چنگ بزنید و پراگنده نشوید.

الله تعالی مسلمانان را از تفرقه جویی منع فرموده است، پس ما کوشش نماییم که در بین خود متفق و متحد باشیم، و علیه دشمنان اسلام جهاد نماییم، برابر است که امریکایی باشد و یا مرتدین، بلکه مرتدین مضر تر است نسبت از امریکایی ها.

اداره: مجاهد عزیز! برای برادران مهاجر و انصار چه نصیحت دارید؟

مهمان: نصیحتم برای برادران این است که از الله تعالی تقوی نمایند، به قرآن و حدیث رجوع نمایند، و برای علما مهاجرین و انصار توصیه مینمایم که به مردم دین را تعلیم بدهند، ولا و براء را بفهمانند، و آنها را به جهاد تشویق نمایند، تا که آنها نیز در صف مجاهدین قرار گرفته علیه دشمنان اسلام برزمند.

اداره: مجاهد عزیز! چه باعث شد که مدینه را ترک نموده راه غربت و هجرت را انتخاب نمودید؟

امروز جهاد بالای تمام مسلمانان جهان فرض عین شده است، من پیش از آمدن درین راه طالب العلم بودم، ومدرسه میخواندم، پس فهمیدم که امروز جهاد بالای من فرض عین شده است، و یک دولت اسلامی هم در دنیا وجود ندارد که قانون اسلامی قاییم باشد، و مسلمانان تمام دنیا مظلوم هستند، پس به خود فکر نمودم که امروز جهاد فرض عین شده و من مصروف درس باشم، پس بدین لحاظ به ندای الله تعالی لبیک گفته و به علم خود عمل نموده راه جهاد و هجرت را انتخاب نمودم، همین بود که سبب آمدن من درین راه، بعض سبب و مژده های دیگر

یعنی، یک برادر جوان که تقریبا پانزده سال عمر داشت، که خواب دیده بود که او، من و پدرش با لشکر امام مهدی یکجاشده همراه دشمنان الله تعالی ورسول او ﷺ جهاد میکردیم، درهمان وقت من در مدینه درس دینی میخواندم، اصلا من از مدینه نیستم بلکه در آن جا زندگی مینمایم، درس وتدریس درآنجا میکردم، من به شنیدن این خواب برادر جوان، بسیار خوشحال شدم.

زمانیکه تصمیم گرفتم که در جهاد بروم درنزد من پول نبود، هیچ فکر پول را نکرده بودم، یقین داشتم که الله سبحانه وتعالی روزی رسان است، در همان وقت یکی از دوستانم که تجار بود در نزدم آمده و از تجارت پرسان نمود، من در جوابش گفتم که من یک تجارت دیگر را انتخاب کردم که عبارت از جهاد است، پس او برایم گفت که خوب است، من تمام مصارف تورا میدهم، و بعداز آن تمام مصارف من را داد، این بود مقدمۀ جهاد من به طور خلاصه تقدیم نمودم.

اداره: مجاهد عزیز! اکثر مسلمانان افغانستان و پاکستان، سرزمین جهاد را ترک نموده به مکه و مدینه میروند، و میگویند که حیات مدینه بهتر است از حیات افغانستان و پاکستان، درحالیکه افغانستان و پاکستان سرزمین جهاد است نظر تان چیست؟

مهمان: صحابۀ کرام رضوان الله علیهم اجمعین ازقبیل مهاجرین و انصار نسبت از ما زیادتر مکه و مدینه را دوست داشتند و فضیلت آن را خوب میفهمیدند، و اولین دولت اسلامی هم بود، لیکن؛ مقبره های صحابۀ کرام رضوان الله علیهم اجمعین در شرق و غرب دنیا وجود دارد، و ایشان به خاطر اعلای کلمۀ الله همه چیز را ترک نموده بودند، اگر کسی مرتد و یا منافق باشد، زندگی او درمدینه هیچ فایده ندارد، چنانچه به همۀ شما معلوم است که در آخر زمان دجال بیرون میشود و مدینه را سه بار تکان میدهد، و تمام منافق از مدینه خارج میشود، و این برای ما دلیل است که در مدینه فعلا هم منافق و جود دارد، اگر کسی گناهگار باشد، زندگی او در مکه و مدینه نجات داده نمیتواند، اگر جهاد فرض عین شده باشد، حیات مکه و مدینه، فرضیت جهاد را از گردن او ساقط نمیسازد، خصوصا مسلمانانیکه از پاکستان و افغانستان هستند، که سرزمین جهاد است، و بالخصوص مسلمانان افغانستان که در آنجا امریکا و یهود و نصاری درآن جا وجود دارند، که بالای آنها لازمیست که علیه آنها با مال و جان خود جهاد نمایند.

"ادارۀ جندالله"

اخلاق مجاهد

بیان شهید محمد طاهر فاروق رحمه الله

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادی له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريک له وأن محمدا عبده ورسوله، أما بعد: السلام عليكم ورحمت الله وبركاته!

جمله حمد، ثنا و صفت به خداوند یکتاو بی همتا، درود و سلام فراوان بر رسول الله ﷺ الله سبحانه و تعالی را سپاس گذاریم که به ما فرصت داد که یکبار دیگر در دیار جهاد و هجرت به حضور شما مجاهدین و مهاجرین قرار گرفتم.

البته موضوع بحث ما در رابطه به اخلاق مجاهد میباشد!

برادران مجاهد و مهاجر! دوقسم مردم است که ما به آنها روبرو میشویم، یکی مردمی است که با چشم حقارت به ما نظر مینمایند، نقصانات و عیوب ما جستجو مینمایند، دوم مردمی است که آنها را انصار مینامند، که آنها به ما با چشم احترام نظر مینمایند، نقصانات و کوتاهی ما را دنبال نمیکنند، قاعده است که اگر کسی را بد ببینی جزئی ترین خطای او بزرگ معلوم میگردد و اگر دوست داشته باشی از خطای وی چشم پوشی مینمایی، همچنان انصارهای واقعی نیز از نقصانات و کمبودی مجاهدین و مهاجرین چشم پوشی مینمایند.

پس؛ باید اخلاق ما اخلاق قرآنی باشد، رفتار ما رفتار قرآنی باشد و کردار ما کردار قرآنی باشد، قرآن و حدیث را جزء اوصاف خود گردانیم، به اوامرالله عمل نموده و از نواهی الله تعالی پرهیز نماییم، چنانچه الله متعال میفرماید: (وعلموا أن الله مع المتقين) بدانید هرآیینه الله متعال با

پرهیزگاران است.

من؛ نخست خود را و بعد شما را خطاب مینایم که از الله تقوی نمایید، به همهٔ شما معلوم است که حضرت عمرﷺ لشکر خود را که به سرپرستی حضرت سعد بن ابی وقاصﷺ راهی فارس بودند، به دو چیز نصیحت فرمود، اول: ترس از الله دوم اجتناب از گناه، وتاکید نموده گفت: ای لشکر اسلام! از گناه کردن در صف جهاد چنان بترسید که از شمشیر دشمن آنقدر ترس نداشته باشید، تعداد لشکر باطل زیاد است، از سابق هم زیاد بود وامروز نیز زیاد است، ما لشکر دشمن را به کثرت لشکر خود مغلوب کرده نمی توانیم، بلکه به سبب ترس از الله و اجتناب از گناه، مغلوب می سازیم، اگر ما تقوی نکنیم، الله تعالی ما را در میدان نبرد تنها میگذارد، در آنصورت ذلیل خواهیم شدیم.

برادران! بیایید؛ تقوی کنیم، فقط در زبان نه؛ بلکه در جوارح نیز عمل نماییم، صفت احسان را به خود بگیریم، (إن الله لایضیع أجرالمحسنین) هرآیینه الله تعالی اجر نیکوکاران را ضایع نمی سازد، جبرییل علیه السلام ازرسول اللهﷺ پرسید: (مالإحسان) احسان یعنی چه؟ رسول الله ﷺ فرمود، (أن تعبدالله کـأنــک تــراه، فإلم تکن تــراه نسازیم، چنانچه رسول اللهﷺ میفرماید: وعن عبد اللَّه بن عَمْرو بن الْعاص رضی اللَّه عنهما عن النَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قال:

(الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسانِهِ ویَدِهِ، والْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ ما نَهَی اللَّه عَنْهُ).

متفق علیه

از عبدالله بن عمرو بن عاص (رضی الله عنهما) روایت شده است که پیامبرﷺ فرمودند: مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر، از زبان و دست او سالم و در امان باشند و مهاجر کسی است که از هر چه که الله متعال نهی کرده است، هجرت و دوری نماید. و دیگر نصیحت من به شما این است، که اگر دریک مکان مشوره صورت گیرد و در رابطه به یک موضوع سخنرانی شود، آن را درکوچه و بازار و در خانه ها به زنان و بچه های نابالغ نرسانید، البته بعض سخن ها است، رساندن آن بهتر است و بعض سخن ها است نرساندن آن بهتر است.

زمانی که ام المؤمنین عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها درقضیهٔ افک متهم شد، درحالی که خودش آگاه نبود، این مصیبت را رسول الله ﷺ، ابوبکرﷺ وصحابهٔ کرام رضوان الله علیهم اجمعین تحمل

کردند، ام المؤمنین بعداز شنیدن این واقعه بی صبر شد، اشک از چشمانش سرازیر گردید، خودش میگوید، چنان گریه کردم که حتی اشک چشمانم ختم گردید، بدین لحاظ زنان و فرزندان خود را به زنان و فرزندان صدر اسلام قیاس نموده با ایشان سخن بگوییم و معامله نماییم، در نزد امیران و مسئولین بسیار چیزها نهفته است، آگاه شدن آن برای همه مجاهدین ضروری نیست، آن چیزهایی را که من تحمل میکنیم، اگر نصف آن بالای یک مجاهد عادی باشد، تحمل کرده نمی تواند، امراء و مسئولین بعض چیز ها را از آگاه شدن تمام مجاهدین خود داری مینمایند، به این مطلب نیست که به آنها اعتماد نداشته باشد، بلکه بخاطر میکند که آنها با تکلیف نشوند، زمانی که درزندان پاکستان بودم، خبرشدم که مرا به حکومت ازبکستان تسلیم میکند، یک برادر مجاهد در آن جا بود، دو وسه فیصد بعض چیزها را به او گفتم که مبادا به حکومت ازبکستان تسلیم نماید، این برادر به مجاهدین میرساند، او گفت: برادر بس است که زیاده از این برداشت ندارم، گفتم؛ برادر از صدفیصد دوفیصدش را برای توگفتم، اوگفت: 98 فیصدش را خودتان بردارید، من تحمل آن را ندارم.

بعض مجلس و شوری است که با علماء مجاهدین صورت میگیرد، و بعض آن با قومندانان جنگ، و بعض دیگر فقط با انصار منطقه و بعض آن عمومی میباشد.

ودرآخر نصیحت من برای مجاهد و مجاهده، مهاجر و مهاجره اینست که با انصار منطقه رویهٔ نیک نمایند، مردم هرمنطقه به خود یک طبعیت خاص دارند، باید ما به آنها به همان طبعیت رفتار نماییم، البته این خلاف قرآن و حدیث نیست، مثلا: مردم قریه ساده لوح میباشد، ومردم شهر هوشیار تر می باشند. چنانچه الله متعال میفرماید: (وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَالتَّقْوَى وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ). (المائدة/2)

ترجمه: درنیکوکاری وپرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، درگناه و تعدی همکار نشوید و از الله تعالی بترسید که الله تعالی سخت سزا دهنده است.

"ادارۂ جند الله"

قاری غازی "اسیر بگرام"

بسم الله، والحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، وآله وصحبه ومن والاه.

امابعد: السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

برادران مسلمان! الله تعالی در دنیا قسماقسم مخلوقات را پیدا کرده است، از جملۀ آن انسانها را خاص مخلوق پیدا کرده است، وبعد انسانها را به دو دسته تقسیم نموده است، مسلمان وکافر، الله تعالی برای ما احسان نموده است که ما را مسلمان پیدا کرده است، پس برای ما لازم است، که در چوکات اسلام زندگی نماییم، از جملۀ مخلوقات الله تعالی نبی کریم صلی الله علیه وسلم بهترین وافضل ترین مخلوق است، وی صلی الله علیه وسلم حبیب الله است، الله تعالی رسول معظم اسلام صلی الله علیه وسلم را امر به جهاد فرموده است، جهاد بزرگترین رکن اسلام است، جهاد برای اعلای کلمۀ الله کرده میشود، اگر در یک کشور و در یک منطقه جهاد نشود، کفار، مرتدین و منافقین نمیگذارند، که مسلمانان اسلام خود را ظاهر کنند و نمی مانند که قانون قرآن و حدیث را جامۀ عمل بپوشانند.

درمورد جهاد، از قرآن و حدیث دلایل زیاد و جود دارد.

چنانچه رسول الله ﷺ میفرمایند: وعنْ سهل بنِ سعْدٍ، رضی اللَّه عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: (رِباطُ يَوْمٍ فی سَبيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَمَوْضِعُ سَوْطِ أَحدِكُمْ مِنَ الْجَنَّة خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيا وَمَا عَلَيْهَا، والرَّوْحَةُ يرُوحُهَا العبْدُ فِیْ سَبِيْلِ اللَّهِ تَعَالَی، أَوِ الغَدْوَةُ، خَيْرٌ مِنَ الدُّنْياَ وَمَا عَليْهَا).

"متفقٌ علیه"

از سهل بن سعدﷺ روایت شده است که پیامبرﷺ فرمودند: یک روز پایداری و ایستادگی در راه الله تعالی، از دنیا و هرچه بر روی آن است، بهتر است و جای قمچین یکی از شما در بهشت، از دنیا و هر آن‌چه بر روی آن است، بهتر می‌باشد و صبح تا ظهر یا ظهر تا غروبی که بنده در آن به جهاد در راه الله تعالی می‌رود، از دنیا و هر آن‌چه بر روی آن است، بهتر است.

برادران اسلام! از الله تعالی استدعا نماییم که برای ما یک زندگی پرفیض و پر برکت را نصیب فرماید، که الله تعالی و رسول ویﷺ راضی شود، اگر کسی در راه جهاد بیرون شود، به تکالیف و مشکلاتها روبرو میشود، از قبیل؛ ترک وطن، خویش و قوم، جدایی از پدر و مادر، زخمی شدن، اسیرشدن، و شهادت میباشد، و همچنان سهولت نیز هست، که منحیث یک مسلمان آزاد، زندگی مینماید، از مزدوری کفار و زندگی ذلت بار نجات میابند.

کفار بالای مسلمانان گوناگون ظلم و استبداد را روا میدارند، بالخصوص برای اسرای مجاهدین، که در زندانهای یهود و نصاری بندی هستند.

در زندان دوقسم ظلم است، جسمی و روحی.

1- جسمی: جسمانی عبارت از توسط چوب سنگ، دنده، شلاق و همچو چیزهای دیگر لت وکوب نمودن، و توسط برق شارت نمودن است.

2 - روحی: من در زندان بگــرام اسیر بــودم و تقریبا بیست و هشت ماه را در آن جا سپری نمودم، زمانیکه دشمنان اسلام مرا گرفتار نمودند، نخست در میدان هوایی قندز بردند، من در آنجا سه شب و روز را سپری نمودم، در آن مدت نه آب بود وضو نمایم، نه دست پای مرا خلاص میکرد که نماز بخوانم، کسی وجود نداشت که من همراه او به زبان فارسی و یا پشتو صحبت کنم، تمام آن ها خارجی بودند، و غذایی که آنها برایم میدادند، به پاک بودن آن کاملا شک داشتم چرا که هیچ مسلمان در آن جا نبود و حتی مزدوران داخلی هم نبودند، بعد؛ از آن جا مرا به زندان بگرام انتقال داد، که در آن جا یک زندان بنام تور جیل یاد میشد، تقریبا بیست و دو روز را سپری نمودم، در تور جیل نیز برای وضو آب نبود، فقط برای خوردن آب بود، تیمم نموده نماز میخواندم، طبعا در زندان برای انسان خستگی و

ناراحتی میآید، لیکن من به قدر الله تعالی راضی بودم و صبر میکردم، اما به این ناراحت میشدم که قرآن عظیم الشان را بی حرمتی میکردند، در حالیکه دست و پای من زولانه بود، روزانه عساکر صلیبی اطاق ها را سه بار تلاشی میکردند، یک روز برای تلاشی آمد، در نزد من یک جلد قرآن شریف بود، و چیزی دیگر نبود و نمی ماند، نعوذ بالله، قرآن عظیم الشان را گرفت و به زمین انداخت، به اندازهٔ کتاب انگلش ارزش نداد، و این کار آنها برایم سخت تاثیر نمود، من گفتم اگر مرا پارچه پارچه کند، اما قرآن مرا مثل کتاب انگریزی نکند، یگانه ظلمی که به اسرای اسلام تاثر مینمایند، این است که در حضور ما قرآن را بی عزتی میکردند، و بعد؛ از آنجا به زندان عمومی بگرام برد، که در آن جا همه اسرای مسلمین بودند.

برادران اسلام! راه جهاد؛ راه است که توسط آن قانون قرآن و حدیث درسرتاسر دنیا قاییم میگردد، دین، ناموس، اقتصاد و ثروت مسلمانان در امن میباشند، رسول اللهﷺ به نفس خود جهاد نموده اند، و درین راه رخسار مبارکش مجروح شده و دندان مبارکش شهید گردیدند.

من؛ به مسلمانان جهان عرض مینایم که از زندان هیچ نترسند، به جهاد خود ادامه دهند و در زندان مزدوران داخلی یعنی اردوی ملی و پولیس ملی و امنیت ملی را دیدم که در پیش باداران شان عاجزی میکردند، الحمد لله؛ به دست و پای ما زولانه بود، مجبور بودیم، لیکن مثل آنها عاجزی نمیکردیم هرچه از دهن ما میآمد میگفتیم.

از الله تعالی استدعا دارم که برای ما اخلاق حمیده وحسن سلوک نصیب فرماید، به سبب آن الله تعالی و رسول اللهﷺ راضی شوند، و این نصیحت مرا سبب غیرت و شهامت برای سربازان راه حق و سبب صبر و تقوی برای محبوسین اسلام بگرداند، ودرآخر عمر برای من و برای تمام امت اسلام شهادت را نصیب فرماید. آمین!

وآخردعوانا ان الحمدلله رب العالمین.

شهـــادت‌طلبـــی

شهادت از برترین واژه های فرهنگ اسلامی و از مقدّس ترین مفاهیم معارف الهی است. شهادت بالاترین کمال انسان است، آنگاه که انسان تمام هستی خود را یکجا نثار معبود میکند و قطرهٔ وجودش به دریای بیکران هستی مطلق می پیوندد.

آیات فراوانی در قرآن کریم در بارهٔ مسئلهٔ شهادت اشاره نموده است، در این قسمت به بعضی از آیات اشاره می نماییم: (وَلاَ تَقُولُواْ لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبيلِ اللّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاء وَلَكِن لاَّ تَشْعُرُونَ). ''البقرة/**154**''

ترجمه: وکسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید بلکه زنده اند ولی شما نمی‌دانید.

(وَلاَ تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُواْ فِي سَبِيلِ اللّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاء عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ). ''آل عمران/**169**''

ترجمه: هرگز کسانی را که در راه الله تعالی کشته شده‌اند مرده مپندار بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

(وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ، سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ، وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ). ''محمد/**4،5،6**''

ترجمه: وکسانی که در راه الله تعالی کشته شده اند هرگز اعمالشان را ضایع نمیکند، به زودی آنان را هدایت مینماید و حالشان را نیک میگرداند، و در بهشتی که برای آنان وصف کرده آنان را داخل می نماید.

احادیث و روایات متعددی پیرامون شهید والای آنان نقل شده است که به بعضی از آنها

اشاره مینماییم:

رسول الله ﷺ مهربانی میکند: (وَمَا قَطْرَةٌ أَحَبَّ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةِ دَمٍ فِي سَبِيلِهِ).

"شعب الإيمان"

هیچ قطرۀ در پیشگاه الله تعالی محبوب تر نیست از قطرۀ خونی که در راه الله تعالی ریخته می شود.

به شهادت تاریخ دین مقدّس اسلام که کامل ترین نسخۀ الهی برای هدایت، شفای امراض باطنی و کمال بشر است، از آغاز تاکنون، از طرف دشمنان حق و عدالت، درمعرض انواع حمله ها و تهاجم ها بوده است و خواهد بود، از این رو مسلمانان باید، طریقۀ مناسب را جهت حفظ آن پیش بینی کند، زیرا برای حفظ گسترش دین مبین اسلام و حاکم گردانیدن قانون الهی مناسب ترین راه را باید انتخاب نمایند، تا مقدسات اسلامی از هرگونه آسیب و خطر دشمن در امان بماند.

با بررسی قرآن کریم وروایات احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم میتوان گفت که فرهنگ شهادت طلبی، یکی از مهم ترین طریقۀ اجتماعی دین برای تحصیلِ هدفِ پیشین است، بدین لحاظ که این طریق، با تزکیۀ مؤمنان وتقویت روح ایمان، تعبّد و غیرت دینی در آن ها و نیز تقویت روحِ ایثار و تعاون، صبر و احیای فریضۀ امر به معروف و نهی از منکر درجامعۀ اسلامی؛ جامعۀ دینی را اقتدار، عزّت و استحکام می بخشد و بدین صورت از دین و ارزش های والای آن پاسداری میکند.

از آن جا که عامل شهادت طلبی مؤمنان، عشق به الله تعالی، شوق دیدار او و انجام دستورهایش برای تقرّب بیشتر به او است، شهادت طلبی، از بهترین وارزشمندترین عبادات نزد پروردگار به شمار میرود و فرهنگ آن از محبوب ترین فرهنگ ها نزد او تعالی است.

از مهمترین عوامل بازدارندۀ شهادت طلبی، حرکتهای نا مناسب، راه های کج، عقاید باطله و خرافات های که برای انسان حق جلوه داده می شود. حق و باطل گاه آنچنان بهم می آمیزد که تمیز و جدائی آنها از یکدیگر محتاج به ایجاد سیل و موج قوی است تا لاشه ها را از

درون دریای جامعه به بیرون پرتاب کند، گوهرها، مرجان ها ویاقوت ها را در درون نگه میدارد.

حق و باطل گاه مانند کف وآب هستند که تشخیص وجدائی آنان ساده است و گاه آنچنان بهم مخلوط شده اند که باید با حرکتهای تند و پرحرارت از هم جدا کرده شود.

انتخاب آگاهانۀ شهادت درسایۀ تفکر صحیح درچنین موارد نقش خود را ایفاء میکند، شهادت چنان حرارت می آفریند و چنان حرکت وتکانی را بوجود می آورد که حق و طرفدارانش از باطل و پیروانش به خوبی جدا می شوند.

شهادت شجاعانه نقش جدا کردن و شناساندن وسرانجام رشد و نمو، حق و نابودی باطل را به طور احسن و اکمل درجامعه ایفاء میکند و با این اثر، اجتماع را از ایستادن، خشک شدن و کناره گیری خارج می سازد و با تصفیۀ عمیق، وکمال، جامعه را تضمین می کند.

ای مسلمانان! مرگ آمدنی است، حتما به سراغ هرکس می آید، و از مرگ گریخته نمی شود، پس بهتر است، که با الله تعالی با مرگ بیعت داده و در برابر دادن جان عزیز خویش رضایت الله سبحانه و تعالی را طلب نماییم.

الله تعالی در قرآنکریم میفرماید: اگر در راه الله تعالی کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت الله تعالی بهتر از هر چیز برایتان خواهد بود.

شهادت که نتیجۀ سلامت روان روحیه، شجــاعت و انتخاب آگاهانه است، مقاومت جامعه را به دنبال دارد، چرا که ریشه در قدرت، قوت، صبر، استقامت، مبارزه با کفر، انسجام، آخرت خواهی و ظرفیت بالا دارد و این عوامل در مجموع، مقاومت جامعه را بالا برده و اجتماع را متحرک میسازد.

الله تعالی بواسطۀ خون شهداء، عزت جامعۀ اسلامی را تضمین می نماید و به جامعه ظرفیت روحی می بخشد، ضعف و سستی را از بین می برد و هر جامعۀ که افراد آن این گونه باشند، مشمول رحمت و نصرت الله متعال هستند، و دیگر شکست نخواهند خورد که: (ان ینصرکم اللّه فلا غالب لکم؛ اگر الله یاریتان کرد، دیگر کسی بر شما غلبه نمی کند).

درتوحید، آن چیز دارای ارزش است که در راه الله متعال صورت بگیرد. هرقدر ازعمر انسان که برای الله متعال صرف شود.

هرکاری که برای الله متعال انجام گیرد، مالی که در این راه هزینه شود، از ارزش واقعی وپایدار برخوردار است و دراین راستا انجام کار هر قدر برای الله متعال سخت تر و نیت خالص تر باشد ارزش و اثر آن بیشتر است.

بنابراین هرگونه اهتمام وتلاش در راه الله متعال مصداق جهاد فی سبیل الله است.

دستاورد اساسی امت اسلام، احیایی خلافت اسلامی و مهمترین ویژگی آن احیاء فرهنگ شهادت وایثارگری بود.

اگر فرهنگ شهادت طلبی نبود، نه خلافت اسلامی قاییم میگردد و نه نظام اسلامی ادامه پیدا میکند، همانگونه که درصدر اسلام نیز اگر این گونه شهادت، شهادت طلبان نمی بود نه اسلام قاییم شده بود و نه تا امروز ادامه پیدا میکرد.

بنابراین موضوع شهادت سکۀ پربهایی است که دریک روی آن باید والاترین ارزشهای الهی را مشاهده کرد ودر روی دیگر آن دستاوردها، آثار وبرکات بی بدیل را.

شهادت؛ برترین کامیابی، بزرگترین پیروزی، والاترین مقام، بالاترین امتیاز، عظیم ترین فوز، نیکوترین نیکی، رفیع ترین مرتبت وعالی ترین رتبت و گرانمایه ترین درجه، رسیدن به مقام والای شهادت است و برای شهید، گرانبهاترین اوقات وشکوهمندترین لحظه ها و زیباترین زمانها، ساعتی است که پیروزمندانه به دست دشمنان پست بیگانه... به مرگ شرافتمندانه نائل گردد، و جام شهادت را به لب گرفته و آن را به بهای جان خریداری نماید.

جهاد مقدّس شهید و خون پاکی که در این راه به زمین ریخته می شود، عامل بقای جوامع انسانی و تداوم ارزش های مقدّسی است که انسانیت، شرف، عدالت وآزادی در پرتو آنها، جان و رمق می گیرند و استمرار می یابند.

شهید چون شمع می سوزد و با نور خویش، ظلمات و تاریکی های زندگانی بشر را روشن می کند و راه رشد، سلامت و سعادت جامعۀ انسانی را صاف و هموار میسازد.

"عاطف"

از صحنه هاي جهاد

1 جمادی الاول– 13 مارچ: یک عضو هیات اتحادیهء اروپا در اثر یک حملهء راکتی در حومهء شهر دمشق پایتخت سوریه کشته شد .

بتاریخ مذکور: پولیس می گویدِ یک گروپ شورشیان مسلح بالای یک قرار گاه شبه نظامیان در شهر سرینگر مرکز کشمیر تحت کنترول هند حمله کردند که در اثر آن 5 عسکر و دو شورشی مسلح کشته شدند .

بتاریخ مذکور: درنتیجهٔ یک حملهٔ استشهادی درولسوالی امام صاحب ولایت کندز 5 تن ازمزدوران داخلی کشته ودوتن دیگر زخمی شده اند. درجملهٔ کشته شده گان قومندان عبدالقیوم واسدالله برادران حاجی عبدالرؤف ابراهیمی وحاجی شیرخان پدر وی شامل میباشد.

2 جمادی الاول – 14 مارچ: درنتیجهٔ انفجار ماین درولایت قندهار یک قومندان محلی کشته ودوتن از همراهانش زخمی شد.

3 جمادی الاولی – 15 مارچ: یک عضو مجاهدین قفقاز شمالی در شهر گوب کینسکی در شمال روسیه شهیدشد.

4 جمادی الاولی– 16 مارچ: رسانه های کفری: پنج تن از سربازان اسلام در یک درگیری مسلحانه در سرحد میان چچین و انگوشیته در شمال قفقاز به شهادت رسیده اند.

بتاریخ مذکور: در اثر چپه شدن یک سرویس در ایالات خیبر پشتونخواه که از درهٔ سوات به سوی گلگت در حرکت بود بیش از بیست تن از سربازان پاکستانی کشته شده اند.

بتاریخ مذکور: در نتیجه کمین افراد مسلح بر یک بس که افسران اردوی عراق را حمل می کرد،

حداقل 8 تن کشته و یک تن زخمی شده است.حمله کننده گان همه فرار کرده اند.

بتاریخ مذکور: پولیس پاکستان: در نتیجهٔ انفجار بمب در شهر کراچی، سه نفر کشته و تعدادی زخمی شدند.

5 جمادی الاولی – 17 مارچ: یک گروه مرتبط به شبکهٔ القاعده: این گروه پلان موج از بمبگذاری های روز پنجشنبه نزدیک به ساحهٔ سبز بغداد را طرح کرده بود که در نتیجهٔ آن حداقل 18 نفر کشته شدند.

بتاریخ مذکور: کمیتهٔ حفاظت از سرحدات ازبکستان گزارش داده است که سه افغان در نتیجهٔ درگیری با مرزبانان ازبک در جزیرهٔ واقع در دریای آمو کشته شده ویک تن دیگر زخم برداشته است.

بتاریخ مذکور: در نتیجهٔ سقوط یک هلیکوپتر نیروهای ایتلاف در ولایت قندهار، یک تن کشته و یک تن دیگر زخمی شده است. در یک هفتهٔ گذشته این سومین هلیکوپتریست که درین محل سقوط میکند. روز دوشنبه نیز در ولسوالی دامان، در نتیجهٔ سقوط دو هلیکوپتر پنج سرباز امریکایی کشته شدند.

6 جمادی الاولی – 18 مارچ: دست کم سه تن در نتیجهٔ حملهٔ مجاهدین بالای یک محکمه در شهر پشاور پاکستان کشته شده اند. تعداد زخمی های این رویداد حد اقل به 25 تن میرسند.

بتاریخ مذکور: امریکا: دوتن در ایالت اندیانای امریکا زمانی کشته شدند که یک طیارهٔ جیت شخصی در یک محل رهایشی سقوط کرد. وسه تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ مذکور: در اثر تصادم یک موتر نوع 303 در ولسوالی بالابلوک ولایت فراه 3 تن کشته و 13 تن دیگر زخم برداشته اند.

7 جمادی الاولی – 19 مارچ: مقامات عراقی: حداقل 20 تن در اثر حملات که منطقهٔ شیعه نشین شهر بغداد را هدف قرار داده بود، کشته و ده ها تن دیگر زخمی شده اند.

بتاریخ مذکور: پولیس هند: در اثر سقوط یک عراده بس از یک پل، 37 تن کشته و 15 تن دیگر زخمی شده اند.

بتاریخ مذکور: مقامات هرات: در انفجار یک ماین کنار سرک در ولسوالی شیندند این ولایت، یک پولیس شاهراه کشته و 2 تن دیگرشان زخمی شدند. دراین حادثه به افراد ملکی آسیب نرسیده است.

8 جمادی الاولی – 20 مارچ: مسوولان امنیتی پروان: صبح روز چهار شنبه افراد مسلح غیر مسوول،

2 فرد ملکی را در منطقهٔ سنجد درهٔ این ولایت، کشتند.

بتاریخ مذکور: مسوولان محلی در ولایت بدخشان، از وقوع یک درگیری شب چهارشنبه میان نیروهای امنیتی افغان و مخالفان مسلح در ولسوالی وردوج این ولایت خبر میدهند. ولسوال وردوج گفت که نیروهای امنیتی افغان عقب نشینی تکتیکی نموده اند. در عین حال مجاهدین میگویند که هفت پوستهٔ امنیتی را در این مناطق تصرف نموده اند. ذبیح الله مجاهد: زخمی شدن سه مجاهد را در این رویداد تایید کرده است.

9 جمادی الاول – 21 مارچ: چندین مجاهد در جمهوری خود مختار داغستان فدراسیون روسیه که در شمال قفقاز موقعیت دارد شهید شدند.

بتاریخ مذکور: قوماندان امنیهٔ ولسوالی اشکمش ولایت تخار گفت: عبدالمنان حکیمی از دوازده سال به این سو ولسوال اشکمش بود، همراه با یک محافظ و راننده اش کشته شدند.

10 جمادی الاول – 22 مارچ: پاکستان: در یک حملهٔ طیارهٔ بی پیلوت امریکایی در منطقهٔ قبایلی وزیرستان شمالی چهار مجاهد به شهادت رسیده اند.

بتاریخ مذکور: به دنبال کشته شدن سه تن از افراد ملکی و زخمی شدن یک مامور پولیس توسط افراد مسلح غیر مسوول در شهر چاریکار مرکز ولایت پروان ده ها تن مظاهره کردند.

بتاریخ مذکور: سوریه: در نتیجهٔ انفجار در یکی از مساجد دمشق، به شمول یک عالم دینی طرفدار رژیم و نواسهٔ او حداقل 42 نفر کشته شده و 84 نفر دیگر مجروح شده اند.

11 جمادی الاول – 23 مارچ: حد اقل بیست و سه تن در نتیجهٔ تصادم یک بس در ایالت شرقی پنجاب پاکستان کشته شدند. وبیش از 30 تن در این حادثه زخمی شده اند و مقامات از آن نگران هستند که ممکن تعداد تلفات افزایش یابد.

بتاریخ مذکور: آیساف: یک سرباز آنها درشرق افغانستان کشته شده است.

12 جمادی الاول – 24 مارچ: اردوی پاکستان: 17 عسکر در نتیجهٔ یک حملهٔ فدایی در یک پوسته در منطقهٔ وزیرستان شمالی کشته شده اند.

بتاریخ مذکور: در تظاهرات شماری از باشنده های ولسوالی شیندند ولایت هرات بالای یک قطار نیرو های اردوی ملی چهار تن زخمی شدند. به گفته رسانه ها: سربازان اردوی ملی مجبور به تیراندازی بر

اعتراض کننده گان شده اند.

بتاریخ مذکور: بوریس بریزوفسکی میلیار در تبعیدی روس به عمر 67 سالگی در بریتانیا درگذشته است.

13 جمادی الاول – 25 مارچ: سوریه: در نتیجهٔ انفجار بمب در شهر دیرالزور در شرق سوریه، یک رهبر نظامی ارشد مخالفین این کشور شدیداً زخمی شده است.

بتاریخ مذکور: مقامات آسترالیایی: دو نفر زمانی کشته شدند که کشتی شان در جزیرهٔ کرسمس در شمال غرب آسترالیا در بحر هند غرق شد.

14 جمادی الاول– 26 مارچ: وزارت دفاع افغانستان: 23 مخالف مسلح دولت را در ولایات غزنی و هلمند از پا در آوردند. واز کشته و زخمی شدن 4 تن از عساکر اردوی ملی نیز در این عملیات ها خبر میدهد. طالبان، در این مورد چیزی نگفته اند.

بتاریخ مذکور: جلال آباد: در حملهٔ گروهی 7 حمله کننده بر قطعهٔ واکنش سریع این ولایت، 5 پولیس کشته و 4 تن دیگر شان زخمی شدند. ذبیح الله مجاهد: در این حمله، بیش از 40 نیروی امنیتی افغان و 15 خارجی را کشته اند.

بتاریخ مذکور: یک جوان در مسیر خان آقا ولسوالی آقچهٔ جوزجان به قتل رسیده است. مقامات از اختطاف یک شاگرد مکتب در این ولسوالی نیز خبر میدهد.

15 جمادی الاول – 27 مارچ: کابل: در انفجار بمب جاسازی شده در یک موتر، یک افغان و یک مشاور خارجی زخمی شده اند.

بتاریخ مذکور: رسانه های کفری: در حملهٔ طالبان مسلح بر یک پوسته امنیتی در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان دو پولیس و ده طالب کشته و چهار پولیس دیگر زخم برداشته اند. اما طالبان از شهادت دو طالب خبر میدهند. در یک خبر دیگر نجیب الله یک قوماندان پولیس محلی درولسوالی درزآب ولایت جوزجان توسط طالبان به قتل رسیده است.

بتاریخ مذکور: رسانه های دولتی: در نتیجهٔ عملیات نیروهای افغان و بین المللی در ولسوالی بره کی برک ولایت لوگر 23 تن از مجاهدین شهید شده و 26 تن دیگر شان زخمی شده اند. ذبیح الله مجاهد: در تماس با رسانه ها شهادت 12 طالب را در این عملیات تایید کرده و گفته است سایر

قربانیان همه افراد ملکی اند. داکتر عبدالولی رییس شورای ولایتی لوگر گفته است که یک زن و چهار طفل نیز در جریان این عملیات شهید شده اند.

بتاریخ مذکور: یک سرباز بریتانیایی در جنوب افغانستان کشته شده است. وزارت دفاع بریتانیا می گوید: که این سرباز روز دوشنبه در ولسوالی نادعلی هلمند زخمی شده بود. بعداً در شفاخانه جان داد.

بتاریخ مذکور: سوریه: در یک انفجار بزرگ در دمشق حداقل چهار تن کشته شدند. بمب گذار موترش را در قسمت شمال دمشق منفجر کرد.

17 جمادی الاول – 29 مارچ: وزارت دفاع امریکا: یکی از سربازان امریکایی که روز چهارشنبه در ننگرهار زخمی شده بود، جان داد.

بتاریخ مذکور: پاکستان: در یک حملۀ فدایی در پشاور که یک قوماندان ملیشه های دولتی (عبدالمجید مروت) را هدف قرار داد حداقل ده نفر کشته و بیست و پنج تن دیگر زخمی شدند.

18 جمادی الاول – 30 مارچ: پاکستان: در نتیجۀ یک حملۀ فدایی در شمالغرب پاکستان (در یک شهر مردان) یک افسر پولیس کشته و شش تن دیگر زخمی شده اند.

بتاریخ مذکور: چین: در نتیجۀ لغزش زمین در یک معدن تبت روز جمعه 83 کارگر این معدن زیر خاک شدند.

19 جمادی الاوی – 31 مارچ: نیرو های امنیتی افغان و ایتلاف یک سرگروه شبکۀ حقانی را در یک عملیات در ولسوالی صبری ولایت خوست دستگیر کردند.

بتاریخ مذکور: لیبیا: در حملۀ بیش از 150 مرد مسلح بر یک پایگاه هوایی در جنوب این کشور، دو سرباز کشته و سه تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ مذکور: روسیه: پولیس روسیه از کشته شدن دو تن در یک مَیخانه در شهرک Irkutsk oblast این کشور خبر میدهد. ودر این حادثه ده تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ مذکور: پاکستان: در نتیجۀ یک حملۀ بمبی در یک گردهمآیی سیاسی نزدیک به شهر بنو در شمال غرب پاکستان، دو نفر کشته و 6 تن دیگر زخمی شدند. این حمله، عدنان وزیر یک سیاستمدار محلی را مورد هدف قرار داد که در رقابت های انتخاباتی برای مجلس ایالت خیبر پشتونخواه درحال مبارزه بود.

20 جمادی الاول – 1 اپریل: امریکا: در یک حادثهٔ ترافیکی در ایالت ویرجینیای امریکا سه تن کشته حداقل بیست تن دیگر زخمی شدند. وبیش از نود و پنج تن زیانمند شدند.

بتاریخ مذکور: رسانه های کفری: در عملیات هوایی نیرو های بین المللی در ولسوالی وته پور ولایت کنر یک قوماندان مخالف مسلح همراه با دو همکارش شهید و دو نفر دیگر شان زخمی شد. طالبان مسلح تاکنون در مورد این خبر ابراز نظر نکرده اند.

بتاریخ مذکور: امریکا: یک وکیل مدافع "مایک مکلیلاند" و همسرش "سینتیا" در سی ام ماه مارچ در محلهٔ کَوفمن کونتی به قتل رسیدند.

بتاریخ مذکور: عراق: یک حمله کننده بر یک پوستهٔ نظامی در شهر تکریت حمله نموده، باعث کشته شدن حد اقل 5 نفر و جراحت بیش از 10 تن دیگر شد.

21 جمادی الاول – 2 اپریل: برما: آتش سوزی در یک مسجد منجر به کشته شدن سیزده کودک شد. این آتش سوزی صبح وقت روز سه شنبه در محل بود و باش حدود هفتاد و پنج کودک یتیم رخ داد.آتش سوزی به اثر مشکل تخنیکی در سیستم برق رخ داده است.

بتاریخ مذکور: پاکستان: دهها شبه نظامی بر یک ستیشن برق درشمال غرب این کشور حمله کردند. حد اقل هفت نفر در این حمله کشته شده و بیش از چهار نفر دیگری که مهاجمان از این ستیشن برق در نزدیکی پشاور با خود برده اند لادرک میباشند.

22 جمادی الاول – 3 اپریل: در انفجار یک ماین کنار سرک در ولسوالی دانگام ولایت کنر چهار سرباز افغان کشته و یکی دیگر زخمی شده است.

بتاریخ مذکور: یک طیارهٔ بی پیلوت نیرو های ناتو شام روز سه شنبه در ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک سقوط کرد. ذبیح الله مجاهد: این طیارهٔ بی پیلوت توسط مجاهدین در ولسوالی نرخ آن ولایت سقوط داده شده است.

23 جمادی الاول – 4 اپریل: در حملهٔ افراد مسلح طالبان بر محکمهٔ ولایت فراه 53 نفر کشته و حدود 100 تن دیگر زخمی شدند. به اعتراف رسانه ها: درین حمله 24 قاضی و 4 رییس دادستان کشته شدند.

بتاریخ مذکور: اسراییل: نیروهای اسراییلی یک نوجوان فلسطینی را در کرانهٔ غربی با فیر گلوله به قتل

رسانید.

بتاریخ مذکور: ولایت غزنی: به اثر حملهٔ هوایی نیروهای بین المللی در ولسوالی ده یک این ولایت 4 پولیس افغان و دو تن از افراد ملکی کشته شدند. نیروهای بین المللی تا حال در این مورد تبصره نکرده اند.

بتاریخ مذکور: در نتیجهٔ آتش سوزی در نزدیک میدان هوایی بگرام شماری از موتر های باربری حریق شدند. قوماندان امنیهٔ ولسوالی بگرام: این آتش سوزی در جریان شب گذشته در ساحهٔ شرقی میدان هوایی بگرام رخ داد که تا حال 10 موتر و یک تانکر تیل که برای نیروهای بین المللی مواد لوژستیکی انتقال میداد از بین رفته اند.

ذبیح الله مجاهد: به صورت تکتیکی آتش سوزی را در توقف گاه کاروان لوژستیکی در دروازهٔ سوم میدان هوایی بگرام انجام داده ند.

24 جمادی الاول – 5 اپریل: پولیس هند: یک مرد روستایی در هندوستان، 9 زن ودختر همسایهٔ اش را توسط تبر به قتل رسانده است.

25 جمادی الاول – 6 اپریل: در یک حادثهٔ ترافیکی در جنوب شرق ایران، 18 تن به شمول 15 افغان مهاجر هلاک گردیده اند. در این حادثه، موتر پر از مواد نفتی با موتر که مهاجرین غیر قانونی را انتقال می داد تصادم کرده حریق شد.

بتاریخ مذکور: ولایت کنر: در حملهٔ هوایی طیاره های بی پیلوت نیرو های بین المللی در ولسوالی مانوگی این ولایت، چهار طالب به شهادت رسیدند. طالبان تا حالا در مورد ابراز نظر نکرده اند.

بتاریخ مذکور: هند: رقم تلفات در نتیجهٔ فروریختن یک ساختمان در شهر ممبی هند به 72 تن افزایش یافت.

هفتاد تن دیگر زخمی شدند. بیش از 20 تن دیگر تا حال نا پدید هستند.

بتاریخ مذکور: عراق: کم از کم 22 تن در نتیجهٔ دو حملهٔ فدایی پی هم در بقوبه، واقع در شمال بغداد پایتخت عراق کشته شدند. وده ها تن درین رویداد در جریان یک کمپاین انتخاباتی، زخم برداشتند.

26 جمادی الاول – 7 اپریل: قاهره: در نتیجهٔ درگیری میان مسلمانان و مسیحیان در شمال قاهره روز شنبه پنج تن کشته شدند. اعتراض مسلمانان بخاطر رسامی اطفال مسیحی قبطی روی دیوار یک مرکز

اسلامی منجر به وقوع این درگیری شد. مقام ها گفته اند که چهار مسیحی و یک مسلمان کشته ونه تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ مذکور: به گفتهٔ مقامهای امریکایی: شش امریکایی و یک داکتر افغان در دوحادثهٔ جداگانه در افغانستان کشته شده وچندین دیگر مجروح شدند.

بتاریخ مذکور: یک عضو کمیتهٔ ولایتی شورای عالی صلح بنام مرزا علی تنی در ولایت قندز از سوی دو فرد موتر سایکل سوار با ضرب گلوله به قتل رسید.

بتاریخ مذکور: سخنگوی والی کنر: در جریان یک عملیات نیرو های امنیتی افغان شش غیر نظامی افغان وبیست تن از سربازان اسلام به شهادت رسیده ونیز چهار کارمند امنیتی زخمی و یک مشاور امریکایی کشته شده است. طالبان ادعا کرده اند که در این عملیات ده سرباز خارجی را به قتل رسانیده اند.

27 جمادی الاول – 8 اپریل: مسوولان محلی ولایت قندهار از کشته شدن دو ماین گذار در ولسوالی خاکریز این ولایت خبر میدهند. این افراد میخواستند در شاهراه قندهار – کابل ماین گذاری کنند که انفجار صورت گرفت.

بتاریخ مذکور: در تصادم یک موتر مسافربری با ماین کنار جاده در ولسوالی سید آباد میدان وردگ 8 تن بشمول یک زن و یک کودک کشته و 22 تن دیگر زخم برداشته اند.

بتاریخ مذکور: تلویزیون رسمی سوریه از انفجار یک موتر مملواز مواد انفجاری در مرکز شهر دمشق گزارش داده است که در اثر آن حدود 10 تن کشته و ده ها تن دیگر زخمی شده اند.

بتاریخ مذکور: در اثر یک عملیات خاص در جمهوریت انگوشتیا (*Ingushetia*) در شمال قفقاز حداقل یک مجاهد به شهادت رسیده است.

بتاریخ مذکور: حامد کرزی: کشته شدن 11 طفل در اثر عملیات هوایی نیروهای آیساف در ولسوالی شیگل ولایت کنر را، به شدت محکوم نموده است. از سوی دیگر نیروهای ایتلاف به رهبری امریکا، خبر عملیات هوایی بر ولایت کنر را تایید نموده گفته اند، روی مساله تحقیقات می کنند ولی رقم کشته شده گان را تایید نکرده اند.

سه شنبه: 28 جمادی الاول – 9 اپریل: آیساف: در سقوط یک هلیکوپتر آنها در شرق افغانستان، 2 سرباز بین المللی کشته شدند. طالبان مسوولیت این رویداد را بر عهده گرفته اند.

بتاریخ مذکور: مقامات وزارت دفاع آذربایيجان: تورن شهریار محمدوف توسط نیرو های ارمنی مستقر در منطقۀ ناگورنی قره باغ کشته شده است.

بتاریخ مذکور: مارگریت تاچر صدراعظم اسبق بریتانیا به سن 87 سالگی به علت سکتۀ مغزی از جهان چشم پوشید.

چهار شنبه: 29 جمادی الاول – 10 اپریل: پاکستان: مردان مسلح یک پولیس را در شمال غرب پاکستان با ضرب گلوله کشتند و یک پولیس دیگر را زخمی ساختند.

بتاریخ مذکور: در انفجار یک ماین کنار سرک در ولسوالی مارجۀ ولایت هلمند پنج تن کشته و پنج تن دیگر زخمی شدند. هنوز کسی مسوولیت این حادثه را به عهده نگرفته است .

بتاریخ مذکور: پولیس قزاقستان: یک مرمی توپ در منطقۀ لینین زمانی منفجر شد که دو تن می خواستند آن را از هم جدا کنند.

پنجشنبه: 30 جمادی الاول – 11 اپریل: در جریان درگیری میان دو گروه مسلح غیر مسوول در شهر چاریکار ولایت پروان،3 تن کشته و 2 فرد دیگر زخمی شدند.

بتاریخ مذکور: ولایت قندهار: پنج تن از زندانیان محبس سرپوزه این ولایت، از زندان فرار کردند. دو سال قبل هم صد ها زندانی از محبس سرپوزه ولایت قندهار فرار کرده بودند .

بتاریخ مذکور: حاجی عبدالغفوریک قوماندان پیشین جهادی در یک انفجار در ولایت نورستان کشته شد.

بتاریخ مذکور: ولایت ارزگان: قوماندان امنیه ولسوالی چوره این ولایت با دو پولیس، در انفجار ماین، کشته شدند.

بتاریخ مذکور: وزارت دفاع لیتوانیا می گوید که در نتیجه حملۀ یک عسکر افغان، دو تن از عساکر این کشور زخمی شدند.

بسمه تعالی

صلی علیه سرمدا

چـــون غافلی ای بـــی وفـا
برکش به هـــردم این نـوا
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
اهـــل زمین وآســـمان
گوینـد مخفـــی وعیـــان
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
جمله مـلائک سر بـــه سر
خوانند هـــر شام وسحـــر
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
تسبیـــح ورد عـــاشـــقان
این است هـــر روز وشبـــان
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
بر اهـــل بیتش اجـــمعین
جمع صحابه اهـــل دیـــن
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
او رحمـــة للعـــالمیـــن
نامـــش شفیـع المـــذنبیـــن
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
قدوه به ما هـــــر سنتـــش
واجب به مـــا شد طـــاعتش
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
یـــا رب ببـیـــنم روی او
جانـــم فـــدای دیـــن او
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
یا رب فـــرستادی رســـول
ازجـــان ودل حکمش قبـول
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
اوجـان ما جـانـــان مـــا
شیرین به مـــا از جـان ما
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا
تـــاهست جـان در بـــدن
هـــردم بگو ایـــن ورد ون
صلـــی علیه ســرمــــدا
ســـلم علیه مــرحبـــا

ابو سلمان "مدنی"

ازمحصولات استودیوی جندالله



ترانه های فارسی:

- ای امیر المؤمنین
- ای مؤمن افغان زمین
- صلی علیه سرمدا

ترانه های ازبیکی:

- مؤمن لرنی اویغاتدی طاهر
- ای سینگلم
- توغری سوزنی طلاگه تینگ نرخِ بولر
- جمالینگنی روا کورگین کوزیمگه یاربِّم
- حق یولیده جهاد ده میز